

## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### درس ۱

#### زبان

«زبان چیست؟» این پرسش را می‌توان با پرسشی که چارچوب کار زیست‌شناسان را مشخص کرده است مقایسه نمود. آن پرسش این است: «زندگی چیست؟»

وقتی از زبان نام می‌بریم، توانایی و مهارتی را در نظر می‌گیریم که مختص انسان است و او را از دیگر حیوانات متمایز می‌سازد. زبان درک و احساس انسان را توانا می‌سازد تا ماهیت ویژه‌ی خرد و تفکرش را کسب کند.

ما انسان‌ها به دلیل اینکه توانایی استفاده‌ی آسان از زبان را از سال اول زندگی و به طور طبیعی فرا گرفته‌ایم، می‌پنداریم که خود زبان و ماهیت آن را نیز شناخته‌ایم؛ در حالیکه استفاده از زبان یک چیز است و شناخت آن به دلیل پیچیدگی و گستردگی بیش از حد آن چیز دیگری است.

انسان موجودی است با ذهنی پیچیده و زبان وسیله‌ای است که ذهن را با تمام پیچیدگی‌هایش در خود جای می‌دهد. پس پیچیدگی زبان ناشی از پیچیدگی ذهن است.

گسترده‌ی زبان نیز از آن جا ناشی می‌شود که زبان باید همه‌ی جلوه‌های دیگر هستی را در خود بگنجانند؛ خواه پدیده‌ها و جلوه‌های انسانی، خواه اجتماعی و خواه طبیعی.

شناخت زبان - با آن همه پیچیدگی و گستردگی - بیشتر از هر موضوع دیگری به صرف وقت، فکر و نیرو نیاز دارد. از طرف دیگر تا کسی زبان را به خوبی نشناسد، نمی‌تواند از آن استفاده خوبی برای شناخت موضوعات دیگر بکند. اگر در یک زبان برای «چیزی» کلمه‌ای به کار رود اهل آن زبانان برای آن چیز وجود خارجی قائل می‌شوند. مثلاً پیش از وارد شدن کلمه‌ی کامپیوتر یا کیوی در فارسی، بود و نبودن آن برای فارسی زبانان یکسان بود. عجیب‌تر آن که اگر اهل همان زبان کلمه‌ای را به کار ببرند که آن کلمه وجود خارجی نداشته باشد، آنان برای آن کلمه وجود خارجی قائل می‌شوند؛ مثل سیمرغ، پری دریایی و ...

پرسش‌هایی نیز وجود دارند که جواب آن‌ها فقط در گرو شناخت زبان است مثلاً چرا ما انسان‌ها صحبت کردن را به تدریج و به طور طبیعی یاد می‌گیریم ولی نوشتن را باید در مدرسه آموخت؟ یا چرا گفتن از نوشتن آسان‌تر است؟ و... پس شناخت زبان به هیچ‌وجه با توانایی استفاده از آن یکی نیست.

تعریف زبان: مجموعه‌ای از نشانه‌های قراردادی است که طبق قواعد و قوانین خاصی با یکدیگر در ارتباطند و روی هم‌رفته دستگاه یا نظام منسجم مرتب‌ی را تشکیل می‌دهند.

مهم‌ترین ارکان تعریف زبان را می‌توان به شرح زیر استخراج کرد: ۱- زبان نظام یا دستگاهی منسجم است. ۲- این نظام از نشانه‌های آوایی تشکیل شده است. ۳- قراردادی است. ۴- نهادی اجتماعی است که وظیفه‌ی اصلی آن ایجاد ارتباط است. ۵- منحصر به انسان است.

اجزای سازنده‌ی نظام زبان در درجه‌ی اول نشانه (تکواژ) است. نشانه هر لفظی است که معنایی داشته باشد و البته این نکته مهم است که نشانه (تکواژ) می‌تواند بی‌معنی (وند) نیز باشد و در ساختمان واژه‌های دیگر به کار رود مانند «گر» و «ش» در واژه‌های: کارگر و کوشش.

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

انتقال پیام در ارتباط زبانی معمولاً در قالب جمله صورت می‌گیرد. پس هر جمله نمونه‌ای کوچک از نظام بزرگ زبان است که می‌تواند به نشانه‌هایی (تکواژهایی) تجزیه گردد.

مثلاً جمله‌ی «قدر جوانی را بدان» در حدّ خود یک نظام است؛ چون می‌تواند دست‌کم بین دو نفر انسان رابطه برقرار نموده و پیامی را منتقل کند. نیز این جمله به نشانه‌ها (تکواژهایی) تجزیه می‌گردد: قدر + جوان + ی + را + ِ + دان.

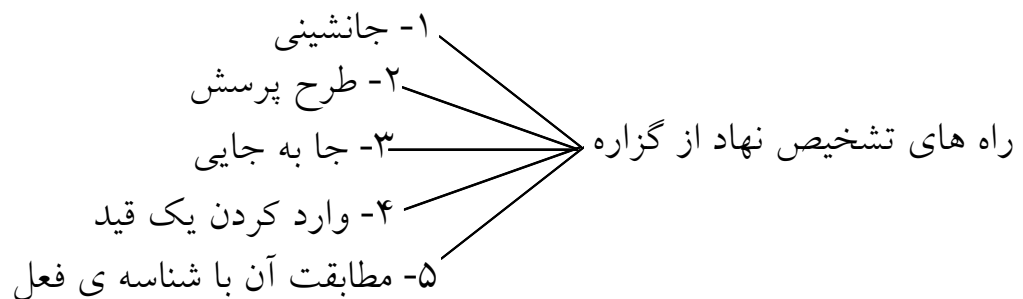
زبان نه توده‌ای بی‌نظم و قاعده از کلمات است و نه مجموعه‌ای از قواعد دستوری است که آن را بی‌هیچ نظم و ترتیبی به حافظه سپرده باشیم؛ بلکه دقیقاً یک نظام واحد است.

## درس ۲

### جمله

جمله به واحدی از زبان گفته می‌شود که از یک یا چند گروه ساخته شده و به دو قسمت نهاد و گزاره بخش‌پذیر باشد. برای نشان دادن این دو قسمت معمولاً از نمودار درختی استفاده می‌شود. عضو اصلی نهاد «اسم» یا یکی از جانشینان آن و عضو اصلی گزاره «فعل» است. نهاد: کلمه یا گروهی از کلمات است که درباره‌ی آن خبری می‌دهیم؛ یعنی «صاحب خبر» است. گزاره: خبری است که درباره‌ی نهاد داده می‌شود.

راه‌های تشخیص نهاد از گزاره در زیر آمده است - که در این درس فقط ۵ راه مورد بررسی قرار می‌گیرد -:



نهاد معمولاً از نظر شمار و شخص با فعل مطابقت دارد: آن دانش‌آموزان خوب کلاس بسیار کوشا هستند. در صورتی که جمله‌ی زیر غیردستوری است (زیرا نهاد آن با فعل مطابقت ندارد): آن دانش‌آموزان خوب کلاس بسیار کوشا است.

پس فقط نهاد می‌تواند - از نظر شمار (جمع و مفرد) و شخص - با فعل جمله مطابقت داشته باشد:

در زمان قدیم مرد تنگ‌دستی در سرزمینی دور با وضع پریشانی زندگی می‌کرد.

در زمان‌های قدیم مرد تنگ‌دستی در سرزمین‌های دوردست با اوضاع پریشانی زندگی می‌کرد.

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

نهاد مفرد	فعل مفرد	نهاد جمع	فعل جمع
دانش آموز	می خندد	دانش آموزان	می خندند



در مورد اشخاص دیگر فعل نیز این هماهنگی از نظر شمار، بین نهاد پیوسته (= شناسه‌ی فعل) و نهاد جدا وجود دارد. «نکته»: قابل ذکر است که شناسه‌ی فعل ماضی در سوّم شخص مفرد، تهی (∅) است (غیر از ماضی التزامی) و شناسه‌ی فعل مضارع در سوّم شخص مفرد (ـَ د) می‌باشد. مثال: آن دختر رفت (∅) / آن دختر می‌رود (ـَ د)

فعل جمع		فعل مفرد			
شناسه‌ی جمع		نهاد جمع	شناسه‌ی مفرد	نهاد مفرد	
	می‌رویم	ما	ـَ م	می‌رو	من
	می‌روید	شما	ی	می‌رو	تو
	می‌روند	ایشان	ـَ د	می‌رو	او

شناسه‌های فعل مضارع

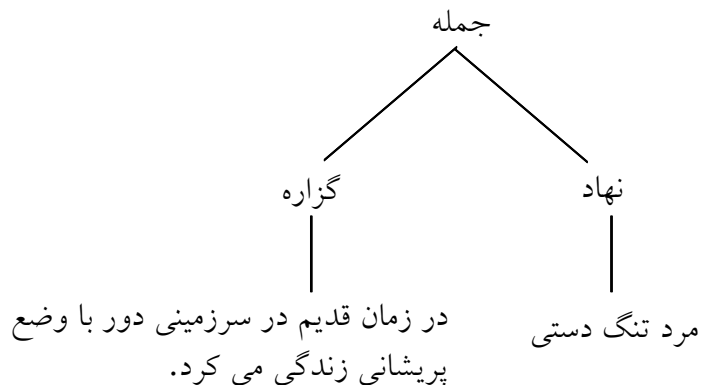
فعل جمع		فعل مفرد			
شناسه‌ی جمع		نهاد جمع	شناسه‌ی مفرد	نهاد مفرد	
	رفتیم	ما	ـَ م	رفت	من
	دید	شما	ی	رفت	تو
	رفتند	ایشان	∅	رفت	او

شناسه‌های فعل ماضی

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

«نکته»: به جز نهاد بقیه‌ی اجزای جمله - اعم از قید، متمم، مفعول و ... جزء گزاره به حساب می‌آیند.  
 مثال: در زمان قدیم مرد تنگ‌دستی در سرزمینی دور با وضع پریشانی زندگی می‌کرد.



راه شناسایی نهاد: یکی از راه‌ها این است که چون فعل شناسه دارد. اگر در جمله‌ای نهاد محذوف باشد، این شناسه است که نهاد محذوف (شخص فعل) را مشخص می‌کند؛ مثلاً در جمله‌های:

الف) کتاب می‌خوانم

ب) کتاب می‌خواند

با وجود اینکه نهاد محذوف است، می‌فهمیم که در جمله‌ی الف نهاد «من» و در جمله‌ی ب نهاد «او» است و چون هر فعل ناگزیر از داشتن شناسه است، شناسه را نهاد پیوسته (اجباری) نامیده‌اند؛ در برابر نهاد جدا (اختیاری) که برای گروه اسمی نهاد به کار می‌رود. معمولاً جای نهاد در آغاز جمله است ولی به دلایلی ممکن است در میان یا پایان جمله نیز بیاید.

«نکته» هر گروه اسمی که در ابتدای جمله بود، گروه اسمی نهاد نیست، شرط اصلی نهاد بودن - همان‌گونه که گفته شد تطبیق آن با شناسه‌ی فعل است (و البته نهاد (صاحب خبر) کسی یا چیز یا حالتی است که درباره‌ی آن خبری می‌دهیم) مثال: در عهد مسعود غزنوی و دستگاه طغرل سلجوقی و چغری بیگ، ناصر خسرو تا چهل و سه سالگی، به دبیری و کارهای دیوانی اشتغال داشت.

### بیاموزیم

در زبان فارسی - بر خلاف زبان عربی - مطابقت بین صفت و موصوف وجود ندارد؛ یعنی، موصوف چه مرد باشد و چه زن، صفت آن مذکر است: مرد زیبا - زن زیبا  
 هم‌چنین به کسی که شعر بگوید - چه مرد، چه زن - شاعر و به کسی که محلی را اداره کند نیز «مدیر» می‌گویند. پس کاربرد کلماتی چون شاعره، مدیره، محترمه، این‌جانبه و ... برای زن نامناسب است.

مثال ۱: پروین اعتصامی ~~شاعره‌ی~~ شاعر برجسته‌ی ایرانی است.

مثال ۲: خانم کمالی ~~مدیره‌ی~~ مدیر دبستان فردوسی است.

مثال ۳: خانم اکبری ~~لیسانس‌په‌ی~~ لیسانس زبان و ادبیات فارسی است.

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

### درس ۳

#### مروری بر نگارش دوره‌ی راهنمایی

۱- تبدیل گفتار به نوشتار: مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان به ترتیب سیر طبیعی و منطقی فراگیری عبارتند از: گوش دادن، سخن گفتن، خواندن، نوشتن.

بنابراین «گفتار» و «نوشتار» دو مهارت اصلی زبان هستند؛ با این تفاوت که «گفتار» به طور طبیعی و همراه با رشد انسان فرا گرفته می‌شود اما «نوشتار» از نظر دانش زبان آموختن در آخرین مرحله قرار دارد و امری کاملاً اکتسابی است که باید فرا گرفته شود. نوشتار پیچیده‌ترین و دشوارترین مهارت زبانی است.

۲- در نوشتن باید به اصل ساده‌نویسی و کوتاهی جملات توجه کنیم.

۳- نوشته‌ی ما باید اجزای اصلی چیزی را که درباره‌ی آن می‌نویسیم دربرگیرد؛ آن‌چنان که گویی خواننده آن را در مقابل خود می‌بیند.

۴- برای توصیف باید به اندازه، رنگ، بو، لطافت و زبری، دوری و نزدیکی و سایر خصوصیات آن توجه کنیم. یکی از رموز ماندگاری و اثربخشی یک نوشته، بهره‌گیری نویسنده‌ی آن از عنصر توصیف است. در توصیف یک صحنه یا منظره علاوه بر وصف کلی اشیا به طرز قرار گرفتن آن‌ها، دوری و نزدیکی و رابطه‌ی آن‌ها با هم توجه می‌کنیم.

برای نشان دادن ظاهر یک فرد از ویژگیهای ظاهری او صحبت می‌کنیم و برای توصیف حالات روحی و عاطفی فرد، به رفتار او با دیگران توجه می‌کنیم.

۵- هر کس در نوشتن شیوه‌ای دارد. در حقیقت نوشته‌ی هر کس همان امضای اوست.

۶- یکی از راه‌های مؤثر و ساده برای تقویت مهارت نویسندگی، یادداشت کردن خاطرات و نیز شرح حال نویسی است.

۷- یکی از اساسی‌ترین عناصر که سبب تاثیرگذاری و خیال‌انگیزی اثر می‌شود، جان بخشیدن به اشیا

(تشخیص = آدم‌نمایی personification) است که سبب پرورش ذهن می‌شود.

موضوعات دیگر این درس عبارتند از: بازسازی وقایع، گزینش واژه‌های مناسب، شناخت عناصر زیبایی سخن (آرایه‌های ادبی)، نامه‌نگاری - که بر حسب نوع نگارش و گیرنده‌ی آن‌ها به نامه‌های دوستانه، رسمی و اداری تقسیم می‌شوند - و خلاصه‌نویسی.

در مهارت تبدیل گفتار به نوشتار به نکات زیر توجه داریم:

۱- کلمات را شکسته به کار نبریم

۲- مطالب زاید (حشو) را حذف کنیم

۳- از تکرار بی‌مورد پرهیزیم

۴- اصل رسایی نوشته را رعایت کنیم.

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### بیاموزیم

حرف همزه (ء) که یکی از حروف الفبای فارسی است، وقتی می‌تواند حرکت می‌گیرد که کلمه‌ی مختوم به همزه، مضاف یا موصوف باشد. مانند: سوء هاضمه - جزءِ اوّل .  
در غیر این صورت گذاشتن حرکت همزه زاید است. مثال: صورت صحیح کلمات «سؤال - پروتئین - لؤلؤ - مؤدّب» از این قرار است: «سؤال - پروتئین - لؤلؤ - مؤدّب».

## درس ۴

### جمله و اجزای آن

جمله‌ی مستقلّ ساده: جمله‌ای که معنای مستقل و کاملی دارد و فقط یک فعل دارد.  
نهاد همواره یک گروه (گروه اسمی) است. گزاره می‌تواند یک یا چند گروه (گروه اسمی - گروه قیدی - گروه فعلی) باشد.

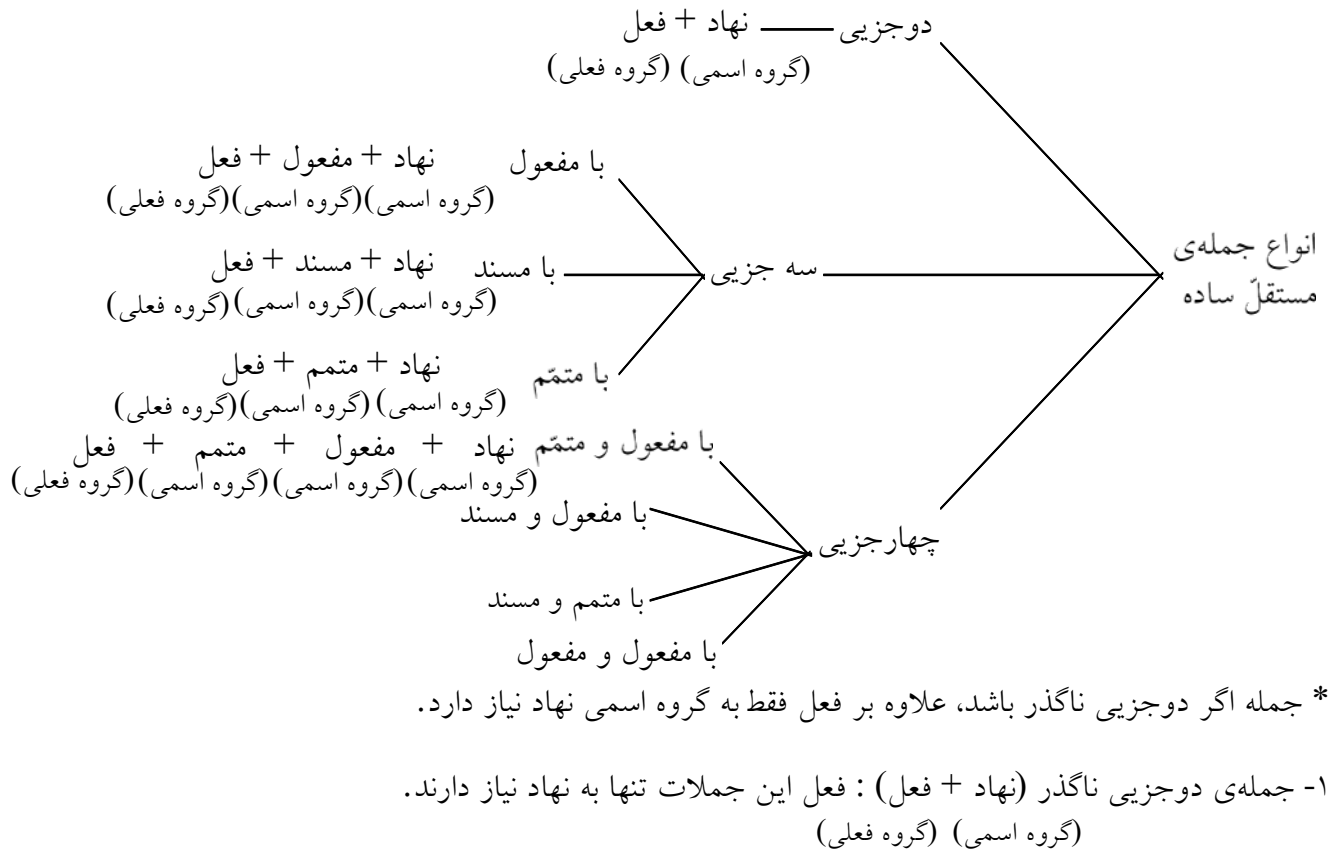
«نکته»: منظور از اجزای اصلی جمله، اجزا یا گروه‌هایی است که در صورت حذف آن‌ها، به درستی ساخت دستوری جمله آسیب برسد.  
مثال: مادرم بنا به عادت روی زانوهایش نشسته بود.  
این مثال یک جمله‌ی مستقلّ ساده است که چهار گروه زیر را دارد: مادرم / بنا به عادت / روی زانوهایش / نشسته بود

اگر این جمله را به صورت زیر بنویسیم باز هم از نظر دستوری صحیح است و آسیبی به اجزای آن نرسیده است: مادرم نشسته بود.

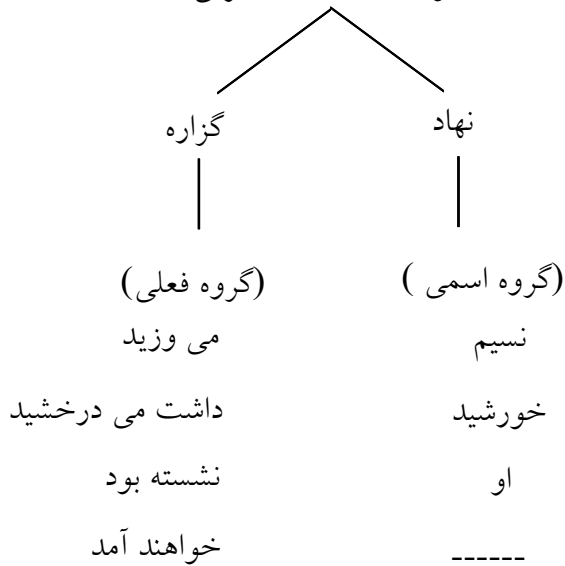
این جمله دوجزئی است. زیرا ارکان اصلی آن فقط گروه اسمی نهاد و گروه فعلی است.

«نکته‌ی مهم»: همواره فعل جمله به ما نشان می‌دهد که کدامیک از گروه‌های جمله، جزء اجزای اصلی جمله است. به همین سبب است که فعل را هسته‌ی جمله می‌نامیم.

**دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک**  
**خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱**



نمودار جمله‌ی دوجزبی



۲- جمله‌ی سه‌جزبی گذرا به مفعول (نهاد + مفعول + فعل) : فعل این نوع جمله‌ها برای تشکیل جمله به جز نهاد به (گروه اسمی) (گروه اسمی) (گروه فعلی)

گروه اسمی مفعول هم نیاز دارد. مفعول، گروه اسمی است که پس از آن معمولاً «را» می‌آید یا می‌تواند بیاید.

برای تشخیص جمله‌ی سه‌جزبی گذرا به مفعول، در مقابل فعل جمله عبارت «چه چیز را» یا «چه کس را» قرار می‌دهیم، اگر جواب داشت آن جمله سه‌جزبی گذرا به مفعول است.

مثال: از میان افعال زیر کدام یک می‌تواند جمله‌ی سه‌جزبی گذرا به مفعول بسازد؟ «می‌خواستم، رفت، خوردیم، جنگید، آمد، دیدی»

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک  
خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

چه چیز را

چه کس را

+ فعل ← مفعول



✓ ← می‌خواستم

× ← رفت

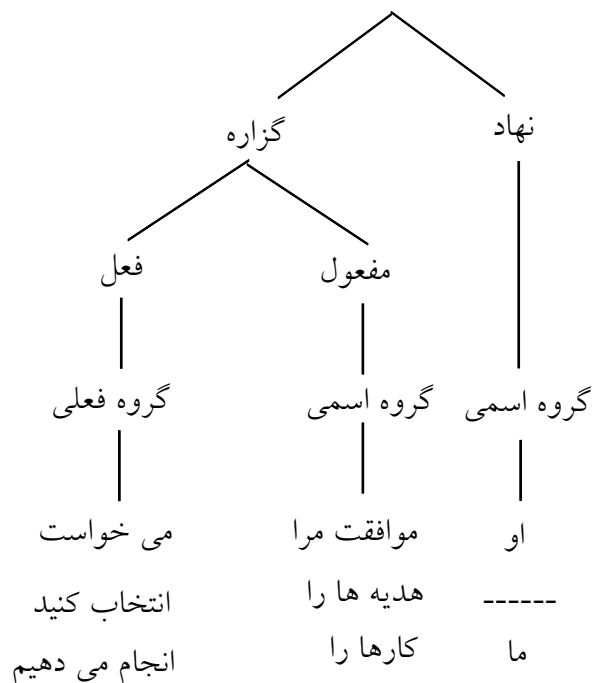
✓ ← خوردیم

× ← جنگید

× ← آمد

✓ ← دیدی

نمودار جمله‌ی سه‌جزیی با مفعول





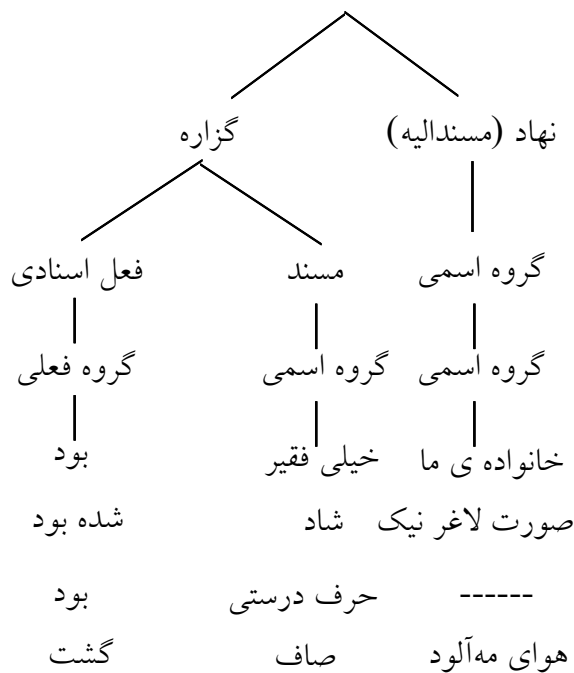
## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

۳- جمله‌ی سه‌جزیی گذرا به مسند (نهاد + مسند + فعل) : افعال اسنادی (عام، ربطی) هم‌چون «است، بود، شد، گشت، گردید» (در همه‌ی زمانها و در همه‌ی اشخاص) برای تشکیل جمله علاوه بر نهاد به جزء دیگری نیاز دارند که مسند نامیده می‌شود.

«نکته»: نهاد را در این جملات مسندآلیه می‌نامیم.

نمودار جمله‌ی سه‌جزیی با مسند



«نکته»: در برخی موارد که این‌گونه افعال در جملات به کار می‌روند، فعل اسنادی نیستند و دیگر جمله‌ی سه‌جزیی گذرا به مسند نمی‌سازند.

آن موارد عبارتند از:

۱- فعل «است» و «بود» به معنی «وجود داشتن» باشد: یک کتاب روی میز است / ابری نیست بادی نیست  
وجود دارد      وجود ندارد

۲- فعل «شد» به معنی «رفتن»، سپری شدن «راهی شدن» باشد: خرامان بشد سوی آب روان  
رفت، راهی شد

۳- فعل «گشت» و «گردید» به معنی «چرخیدن و دور زدن» باشد: زمین دور خورشید می‌گردد.  
می‌چرخد

جمله‌ی سه‌جزیی گذرا به متمم: نهاد + متمم + فعل. افعال این گروه را باید یاد گرفت. این افعال، فعل‌هایی (گروه اسمی) (گروه اسمی) (گروه فعلی)

هستند که حرف اضافه‌ی اختصاصی دارند و متممی که با این حروف اضافه ساخته می‌شوند، متمم فعلی نامیده می‌شوند. برخی از این افعال عبارتند از: ترسیدن (از) - نگرستن (به) - جنگیدن (با) - نازیدن (به) - پرداختن (به) و

...

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

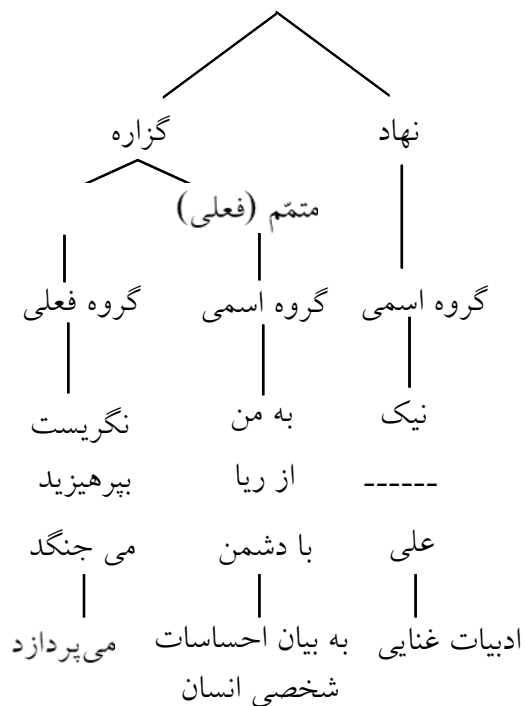
«نکته‌ی مهم»: جملاتی که افعال آن‌ها حرف اضافه‌ی اختصاصی ندارد ولی در آن جملات «حرف اضافه + متمم» به کار رفته است، معمولاً آن متمم‌ها متمم‌قیدی هستند و نقش قید دارند و جزء ارکان اصلی جمله محسوب نمی‌گردند و قابل حذف می‌باشند.

مثال: جمله‌ی زیر چند جزئی است؟ «ادبیات غنایی با زبانی نرم و لطیف به بیان احساسات شخصی انسان می‌پردازد.»  
اولاً این جمله ۴ گروه دارد به قرار ذیل: ۱- ادبیات غنایی ۲- با زبانی نرم و لطیف ۳- به بیان احساسات شخصی انسان ۴- می‌پردازد.

ثانیاً می‌دانیم فعل «پرداختن» حرف اضافه‌ی اختصاصی «به» دارد. و گروه اسمی بعد از «به» متمم فعلی نامیده می‌شود: «بیان احساسات شخصی انسان». پس این جمله جمله‌ی سه‌جزئی گذرا به متمم است.

(«با زبانی نرم و لطیف» هم از «حرف اضافه + متمم» تشکیل شده است ولی حرف اضافه‌ی «با» مخصوص فعل «پرداختن» نیست و از جمله می‌تواند حذف شود.)

نمودار جمله‌ی سه‌جزئی با متمم

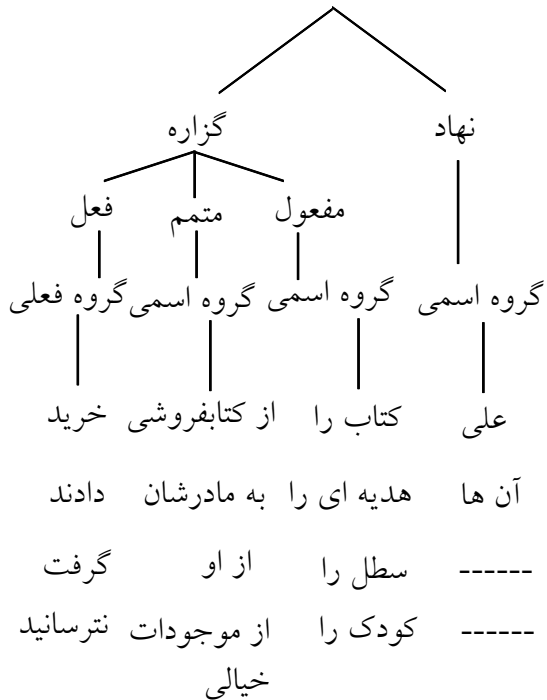


## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

۵- جمله‌ی چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم نهاد + مفعول + متمم + فعل : افعال این گروه را  
 (گروه اسمی) (گروه اسمی) (گروه اسمی) (گروه فعلی)  
 نیز باید آموخت. برخی از این افعال عبارتند از: گرفتن، دادن، آموختن (یاد گرفتن)، آموختن (یاد دادن)، ترساندن، خریدن و ....

نمودار جمله‌ی چهارجزئی گذرا به مفعول و متمم



«نکته»: قید در هر جای جمله که باشد جزئی (جزء غیراصلی) از اجزای گزاره است.

سالیانی دراز مشرکان بت‌ها را می‌پرستیدند. (سه جزئی گذرا به مفعول)  
 قید

ایران همیشه سرزمین دلیران بوده است. (سه جزئی گذرا به مسند)  
 قید

\* بقیه‌ی جملات چهارجزئی در سال بعد تدریس می‌شود.

## درس ۵

### ویرایش

هر نوشته باید از دیدگاه‌های گوناگون (محتوا و درون‌مایه، بیان، صحت و اعتبار، دقت، نظم، رعایت مسائل نگارشی) بازنگری شود. به مجموع این عملیات که طی آن، یک نوشته بازنگری، بررسی و اصلاح می‌شود، «ویرایش» می‌گویند.

کسی که کار ویرایش را انجام می‌دهد «ویراستار» نامیده می‌شود.

ویراستار باید ضمن رعایت سبک صاحب اثر، نوشته را از هرگونه لغزش و خطا بپیراید و اصلاحاتی را در آن اعمال کند تا متن، ساده و آراسته شود.

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### انواع ویرایش

۱- ویرایش فنی      ۲- ویرایش تخصصی      ۳- ویرایش زبانی و ساختاری

ویرایش فنی: آراستن ظاهر نوشته و نظم و سامان بخشیدن به آن است. عموماً اثر در پرتو ویرایش فنی ارزش تازه‌ای پیدا می‌کند و در همان نگاه اول و توزق صرف، خواننده را مجذوب می‌سازد.  
( در ویرایش فنی عمدتاً کارهای زیر انجام می‌گیرد: یک‌دست کردن شیوه‌ی املائی / آوانویسی، حرف‌نویسی، اعراب‌گذاری، کاربرد اختصاری‌ها و رمزها / تنظیم پانوشت‌ها / تنظیم و واریسی نشانه‌های مآخذ و ... )

ویرایش تخصصی: در این نوع ویرایش، متن از دید علمی و تخصصی بررسی می‌شود تا ارزش و اعتبار آن حفظ گردد.

ویرایش زبانی و ساختاری: در آن به جنبه‌های دستوری و نگارشی و املائی نوشته توجه می‌شود تا آن را از هرگونه لغزش و خطایی پاک سازد.

یکی از کارهایی که در ویرایش فنی صورت می‌پذیرد، تقطیع نوشته به چند بند (پاراگراف) است. بند مجموعه‌ای از چند جمله است که مطلبی خاص را بیان می‌کند، بنابراین جملات بند با یک‌دیگر پیوند معنایی دارند و مجموعه‌ی بندها نیز دارای پیوند موضوعی هستند. از نظر رعایت سطر بندی نیز نخستین سطر هر بند باید به اندازه‌ی یک سانتی‌متر بیش‌تر از سایر سطرها از حاشیه فاصله داشته باشد.

یکی دیگر از جهات ویرایش فنی رعایت نشانه‌های نگارشی (علائم سجاوندی) است.

مثال: جمله‌ی زیر را به چند شکل می‌توان نشانه‌گذاری و معنی کرد؟ «پدر معلم از راه رسید.»

۱) پدر، معلم از راه رسید.

۲) پدر، معلم از راه رسید؟

۳) پدر معلم از راه رسید.

۴) پدر معلم از راه رسید؟

امروزه در جهان، نشانه‌گذاری در خط ضوابط و قواعد خاصی دارد. اکثر این علامت‌ها که امروزه در خط‌های گوناگون به کار می‌رود، در جهان هم‌چون علائم راهنمایی و رانندگی مفهوم مشترک پیدا کرده و کاربرد یکسان یافته است. نقش این علامات و نشانه‌ها، که در بهتر خواندن و درک متن به خواننده کمک می‌کند، بسیار با اهمیت تلقی شده است، چنان‌که بعضی‌ها کلمات را جسم کلام و علامات و نشانه‌ها را روح و جان آن دانسته‌اند.

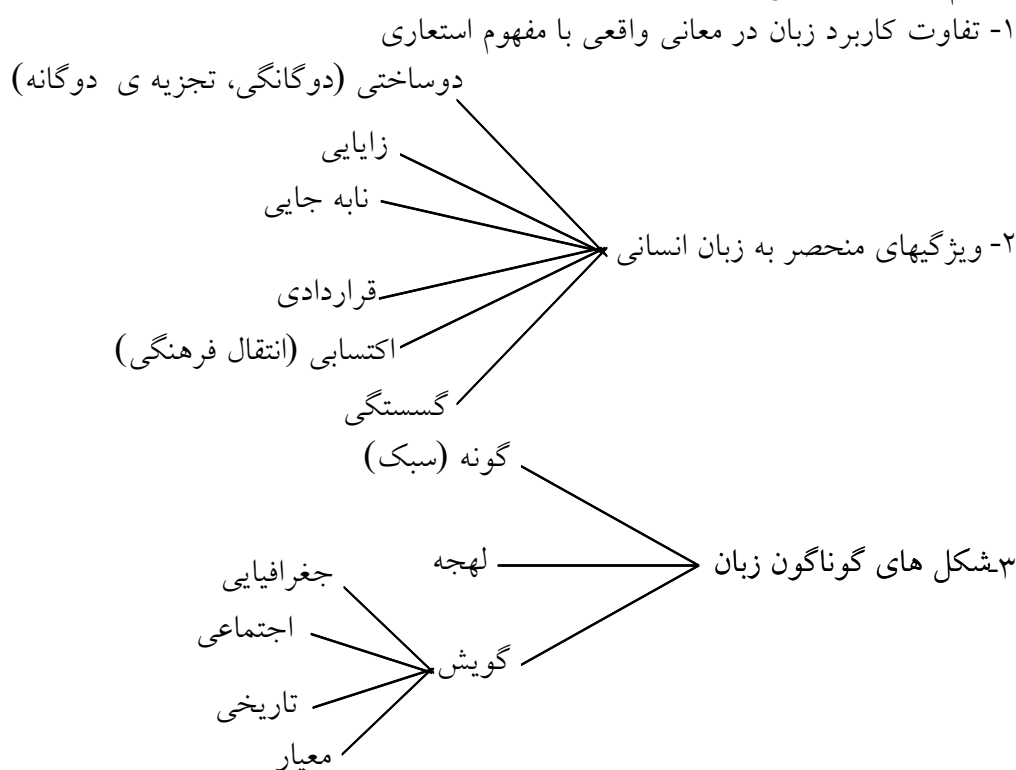
نشانه‌گذاری در خط را به تعبیری می‌توان «تنفس جمله» نام نهاد.

«نکته»: صفحات ۲۶ تا ۲۹ برای جلوگیری از تکرار آورده نشده است. این ۴ صفحه حتماً مطالعه شود.

## درس ۶

### شکل‌های زبان

مفاهیم و نکات اساسی:



وقتی از زبان سخن می‌گوییم، مقصود ما نظام پیچیده‌ای است که از نشانه‌های آوایی قراردادی که انسان‌ها برای ایجاد ارتباط به کار می‌برند. این تعریف، کاربرد واقعی زبان را از کاربرد استعاری آن - که در پدیده‌هایی چون زبان زنبورعسل، زبان رایانه، زبان رنگ‌ها، زبان ریاضیات، زبان پرندگان و .... دیده می‌شود - متمایز می‌کند.

ویژگی‌های زبان انسان:

۱- دوساختی بودن

۲- زیایی

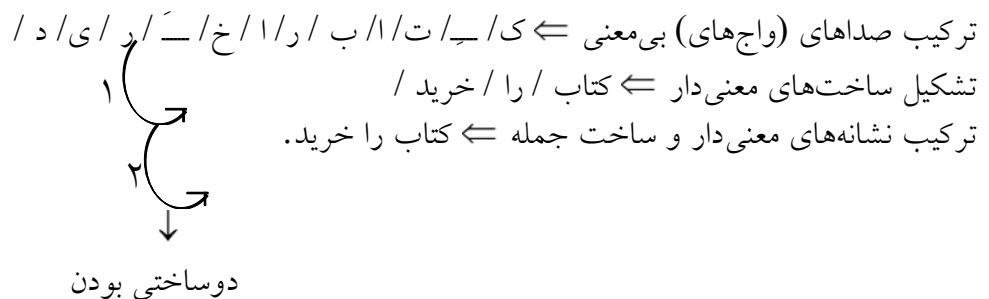
۳- نابه‌جایی

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

دوساختی بودن زبان: که مهم‌ترین ویژگی زبان انسان است. (برخلاف زبان‌های دیگر که همگی تک‌ساختی‌اند). در زبان‌های انسانی یک بار صداهای (واج‌های) بی‌معنی باهم ترکیب می‌شوند و ساخت‌های معنی‌دار را می‌سازند که به آن‌ها نشانه (تکواژ) می‌نامیم؛ بار دیگر این نشانه‌های معنی‌دار با هم ترکیب می‌شوند و در نهایت، پیام‌های کاملی را می‌سازند که به آن «جمله» می‌گوییم.

مثلاً در زبان فارسی ما یک‌بار صداهای (واج‌های) فاقد معنی: ک / ت / ا / ب را باهم دیگر، صداهای (واج‌های): «ر / ا» را با یک‌دیگر و صداهای (واج‌های): «خ / - / ر / ی / د» را در مرحله‌ی نخست با هم ترکیب کرده و نشانه‌های: «کتاب»، «را»، «خرید» را می‌سازیم. بار دیگر این نشانه‌های معنی‌دار را باهم ترکیب کرده و جمله‌ی «کتاب را خرید» را می‌سازیم.



زیایی: به سبب این ویژگی، ما می‌توانیم به کمک نظام محدود زبان، جملات نامحدود بسازیم؛ حتی جملاتی که از پیش وجود نداشته‌اند؛ مثل جمله‌ی «درختان کهن به جان یکدیگر افتاده بودند» یا جمله‌ی «غرش باد آوازهای خاموشی را افسار گسیخته کرده بود.»

نابه‌جایی: به سبب این ویژگی، ما می‌توانیم درباره‌ی چیزهایی صحبت کنیم که اکنون حاضر نیستند یا اصلاً وجود ندارند، مثلاً درباره‌ی زندگی مولانا که اکنون در میان ما حضور ندارد یا پری دریایی که اصلاً وجود نداشته است، صحبت کنیم.

انواع شکل‌های یک زبان:

۱- گونه ۲- لهجه ۳- گویش.

گونه‌ی زبان: شکلی که در جا و موقعیت معینی و در مقابل افراد مختلفی - مانند معلم، والدین، دوستان و ... - به کار می‌رود.

لهجه: شکلی از زبان است که فقط در تلفظ کلمات باهم فرق دارد؛ مثلاً، صحبت کردن یک اصفهانی به فارسی تهرانی.

گویش: شکلی از زبان است که علاوه بر تفاوت در تلفظ کلمات، در انتخاب کلمات و قواعد دستوری نیز باهم فرق می‌کنند.

انواع گویش‌های یک زبان: ۱- جغرافیایی ۲- اجتماعی ۳- تاریخی ۴- معیار (استاندارد)

گویش جغرافیایی: که به ناحیه‌ی خاصی تعلق دارد، مثل گویش‌های اصفهانی، یزدی، شیرازی و ...

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

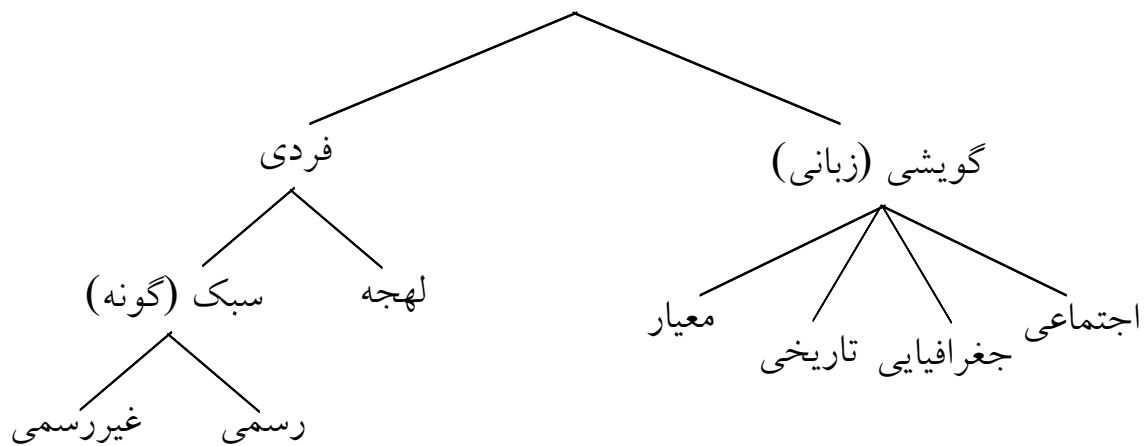
### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

گوش اجتماعی: که هریک به طبقه یا قشر اجتماعی خاصی تعلق دارد. مثل گویش‌های واعظان، کارمندان، بازاریان و ...

گوش تاریخی: که هریک مختص دوره‌ی خاصی از ادوار گذشته‌ی یک زبان است؛ مثل گویش‌های فارسی در دوره‌های پیش یا پس از حمله‌ی مغول، قبل از قاجار و ... (زبان فارسی امروز نه تنها با زبان فارسی زمان رودکی، سعدی و مولانا بلکه حتی با زبان فارسی ده سال پیش نیز متفاوت است؛ هرچند این تفاوت چندان محسوس نیست. هر زبانی در تغییر و تحول دائمی است و شکل گذشته‌ی آن، گوش تاریخی زبان مورد نظر محسوب می‌گردد.)

گوش معیار (استاندارد): شکلی از زبان است که در هر دوره و منطقه‌ای به عنوان زبان رسمی هر کشور یا منطقه به حساب می‌آید و رسانه‌ها و مراکز آموزش رسمی کشور از آن استفاده می‌کنند.

### شکل‌های گوناگون یک زبان



## درس ۷

### چرا املا می‌نویسیم؟

#### مفاهیم و نکات اساسی درس:

- آشنایی با تلفظ معیار: معلم به هنگام املا‌ی تقریری، متن را با صدای رسا و تلفظ معیار می‌خواند و دانش‌آموز سعی می‌کند تلفظ درست واژگان را با پیروی از او بیاموزد.

- املا یکی از دشوارترین مهارت‌های نوشتاری زبان به‌شمار می‌آید؛ به‌همین دلیل، هنگام تبدیل «گفته» به «نوشته» بسیاری از توانایی‌های ذهنی و رفتاری به کار گرفته می‌شود. از این رو هرگاه معلم املا می‌گوید، به آن «گوش می‌دهیم»، درباره‌ی جملات «می‌اندیشیم»، به معنای هر کلمه و جمله «توجه می‌کنیم» و آن را «می‌نویسیم» و پیش از تحویل دادن، آن را «بازخوانی» و «اصلاح» می‌کنیم.

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

- «تقریر» به معنای «بیان کردن» است و املائی تقریری آن است که معلّم متن املا را به تدریج قرائت کند تا دانش‌آموز آن را بنویسد.
- سنجیده آن است که معلّم هر جمله را بیش از دو بار تکرار نکند تا از این طریق، دقّت دانش‌آموزان بیشتر شود و آنان از نیروی حافظه کمک بگیرند و بر سرعت عمل خود بیفزایند.

فواید املائی تقریری:

- ۱- کسب مهارت گوش کردن
- ۲- آشنایی با تلفظ صحیح کلمه‌ها و جمله‌ها
- ۳- تقویت دقّت و حافظه
- ۴- درک بهتر شنیده‌ها
- ۵- تبدیل گفتار به نوشتار
- ۶- درست، زیبا و خوانا نوشتن شنیده‌ها

### درس ۸

#### ویژگیهای فعل (۱)

- گروه فعلی مهم‌ترین و اصلی‌ترین عضو گزاره است و دست‌کم دو نشانه (تکواژ) دارد ( = بن فعل + شناسه )
- رفتم ← رفت + م
- رفت ← رفت + Ø
- هر فعل دارای پنج ویژگی است: ۱- شخص ۲- زمان ۳- گذر ۴- معلوم و مجهول ۵- وجه

- ۱- شخص: هر فعل زبان فارسی به وسیله‌ی شناسه‌های خود، شش شخص را نشان می‌دهد که عبارتند از:
  - ۱- اوّل شخص مفرد (گوینده)
  - ۲- دوّم شخص مفرد (شنونده)
  - ۳- سوّم شخص مفرد (دیگری)
  - ۴- اوّل شخص جمع (گویندگان)
  - ۵- دوّم شخص جمع (شنوندگان)
  - ۶- سوّم شخص جمع (دیگران)



**دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک**  
**خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱**

«نکته»: فعل ناگزیر از داشتن شناسه است.

شناسه: نشانه (تکواژی) است که شخص فعل را معین می‌کند.

جمع	مفرد	
یم	ا م	اول شخص
ید	ی	دوم شخص
ند	د	سوم شخص

شناسه های  
فعل مضارع

جمع	مفرد	
یم	ا م	اول شخص
ید	ی	دوم شخص
ند	∅	سوم شخص

شناسه های فعل ماضی  
(به جز ماضی التزامی)

خوردن: خورد  
بریدن: برید  
بردن: برد

بن ماضی = مصدر مرخم: مصدر بدون «ن» پایانی ←

رفتن: رُو: رو

ریختن: ریز: ریز

کوشیدن: کوش: کوش

بن مضارع = فعل امر بدون «ب» آغازی ←

مردن ← مرد + ه: مرده

جنگیدن ← جنگید + ه: جنگیده

دیدن ← دید + ه: دیده

صفت مفعولی: بن ماضی (مصدر مرخم) + ه ←

## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

۲- زمان: دوّمین ویژگی فعل، داشتن زمان است. مثلاً ما «شنیدن» را فعل نمی‌دانیم، چون مفهوم شخص و زمان در آن نیست اما «شنیدم» فعل است؛ چون هم زمان و هم شخص را مشخص می‌کند. در زبان فارسی، فعل دارای یکی از سه زمان: «۱- گذشته (ماضی) ۲- مضارع ۳- آینده» است.

جدول انواع افعال فارسی را (از جهت زمان) در زیر می‌بینید:

زمان	گروه مطلق	گروه نقلی	گروه التزامی
الف) گذشته	ساده بعید استمراری مستمر	ساده نقلی بعید نقلی استمراری نقلی مستمر نقلی	التزامی
ب) مضارع	اخباری مستمر	—	التزامی
ج) آینده	آینده	—	—

افعال ماضی:

۱- ساده (مطلق) ۲- استمراری ۳- بعید ۴- مستمر ۵- نقلی (ساده‌ی نقلی) ۶- التزامی ۷- استمراری نقلی ۸- بعید نقلی ۹- مستمر نقلی.

ماضی ساده‌ی (مطلق): بن ماضی + شناسه‌ی فعل ماضی: نوشتم، نوشتی، نوشت، نوشتیم، نوشتید، نوشتند.

ماضی استمراری: می + ماضی ساده: می خواندم - می خواندی و ...  
همی

ساخت قدیمی ماضی استمراری: ماضی ساده + ی («ی» استمرار): خواندمی: می خواندم و ....

ماضی بعید: صفت مفعولی + بود + شناسه‌ی ماضی: خوانده بودم، خوانده بودی و ....

ماضی مستمر: داشت + شناسه‌ی ماضی + ماضی استمراری از فعل مورد نظر: داشتم می دیدم، داشتی می دیدی و ....

ماضی نقلی (ساده‌ی نقلی): صفت مفعولی + ام، ای، است، ایم، اید، اند: خورده‌ام، خورده‌ای و ....

افعال نیشابوری ← صفت مفعولی + ستم، ستی، ست، ستیم، ستید، ستند: خوردستم (خورده‌ام) خوردستی و ....

ماضی التزامی: صفت مفعولی + باشم، باشی، باشد، باشیم، باشید، باشند: رفته باشم، رفته باشی و ....

ماضی استمراری نقلی: می + ماضی نقلی (ساده‌ی نقلی): می گفته‌ام، می گفته‌ای و ...

ماضی بعید نقلی: صفت مفعولی + بوده‌ام، بوده‌ای، بوده‌است، بوده‌ایم، بوده‌اید، بوده‌اند: (ظاهراً از این زمان، فقط این

دو صیغه کاربرد محدودی دارند). \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، گفته بوده است، \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، گفته بوده‌اند.

## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

ماضی مستمر نقلی: داشته‌ام، داشته‌ای، داشته است، داشته‌ایم، داشته‌اید، داشته‌اند + استمراری نقلی: ( از این زمان نیز این دو صیغه کاربرد دارند.) \_\_\_\_\_ ، \_\_\_\_\_ ، داشته (است) می‌گفته (است)، \_\_\_\_\_ ، \_\_\_\_\_ داشته‌اند

افعال مضارع: ۱- اخباری ۲- مستمر ۳- التزامی

مضارع اخباری: می + بن مضارع + شناسه‌ی فعل مضارع: می‌روم، می‌روی و .....

مضارع مستمر: دارم، داری، دارد، داریم، دارید، دارند + مضارع اخباری: دارم می‌روم، داری می‌روی و .....

مضارع التزامی: ب + بن مضارع + شناسه‌های مضارع: بروم، بروی و .....

چگونگی ساخت فعل آینده (مستقبل):

آینده: خواهم، خواهی، خواهد، خواهیم، خواهید، خواهند + بن ماضی (مصدر مرخم): خواهم رفت، خواهی رفت و .....

## درس ۹

### نگارش علمی، نگارش ادبی

- زبان به اعتبار شیوه‌ی زبان به دو گونه‌ی علمی و ادبی تقسیم می‌شود.

- زبان نوشته‌ی علمی صریح، گویا، دقیق و بی ابهام است و در آن هیچ‌یک از آرایه‌ها و زیبایی‌های ادبی دیده نمی‌شود؛ بنابراین در نوشته‌های علمی، چندپهلوی نوشتن عیب و نقص به‌شمار می‌آید.

- زبان نوشته‌های ادبی غیرصریح و غیرمستقیم است. این‌گونه نوشته‌ها به آفرینش زیبایی‌های ادبی اختصاص دارند و از آرایه‌ها و زیبایی‌های ادبی برای توصیف و تصویر معانی ذهنی و بیان عواطف و احساسات درونی بهره می‌گیرند؛ زیرا زبان معمولی به خوبی از عهده‌ی بیان تجربیات عاطفی، هنری، دینی و عرفانی بر نمی‌آید. زبان ادبی تنها مراد و مقصود نویسنده را نمی‌رساند، بلکه می‌کوشد بر رفتار مخاطب اثر بگذارد و حتی او را به واکنش و هم‌حسی وادارد و با خود همراه و هم‌دل سازد.

در زبان علمی، «سرو» نام درختی است؛ «لعل» جواهری قرمز رنگ است و «سنبل» نام گلی است؛ حال آن‌که، در زبان ادبی، «سرو» بر قامت راست و کشیده و متناسب، «لعل» بر لب و «سنبل» بر موی تابدار دلالت دارد.

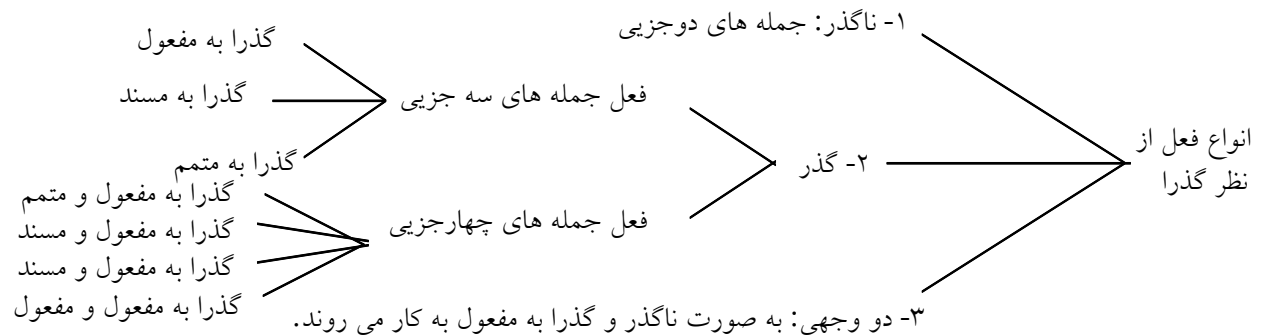
## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

## درس ۱۰

### ویژگیهای فعل (۲)

۳- گذر: ناگذر و گذرا



بعضی فعل‌های زبان فارسی به تنهایی می‌توانند در قسمت گزاره قرار گیرند و جمله‌ای درست و دستوری بسازند اما برخی دیگر ناگزیر از همراهی یک یا دو گروه اسمی هستند. به این اعتبار، فعل‌ها را به دو نوع گذرا و ناگذر تقسیم می‌کنند.

فعل ناگذر: فعلی است که برای ساختن یک جمله‌ی دستوری تنها به گروه اسمی نهاد نیاز دارد.

مانند: وزیدن، درخشیدن، آمدن، رفتن، گریستن، خوابیدن، دیدن، چرخیدن، نشستن، برخاستن و ...

فعل گذرا: فعلی است که برای ساختن یک جمله‌ی دستوری علاوه بر گروه اسمی نهاد، به یک یا دو گروه اسمی دیگر نیز نیازمند است.

انواع فعل‌های گذرا: ۱- گذرا به مفعول: فعل این جملات علاوه بر گروه اسمی نهاد، به گروه اسمی مفعول نیز نیاز دارند (نهاد + مفعول + فعل).

برای تشخیص گذرا به مفعول (متعدی) بودن فعل، از این پرسش استفاده می‌کنند:

چه کسی را (چه چیزی را) + فعل ← مفعول

اگر جواب داشت مفعول می‌خواهد و گرنه مفعول نمی‌خواهد؛ مثلاً: «خواند»: چه چیزی را + خواند ← ✓  
 «دید»: چه چیزی را (چه کسی را) + دید ← ✓

اما فعل‌هایی مثل «می‌وزد» و «آمد» گذرا به مفعول نیست:

چه چیزی را (چه کسی را) + می‌وزد ← ×

چه چیزی را (چه کسی را) + آمد ← ×

معمولاً فعل‌هایی که از مصدرهای زیر ساخته می‌شوند، گذرا به مفعول‌اند: پوشیدن، ساختن، برگزیدن، نوشتن، خواندن، آشامیدن، یافتن، دوختن، دیدن و ..... ؛ چون تمامی این مصادر در برابر سؤال «چه چیزی را (چه کسی را) دارای جواب هستند».

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

طریقه‌ی گذرا کردن فعل: برخی از افعال ناگذر به روش زیر گذرا می‌شوند:  
 بن مضارع فعل ناگذر + ان ← بن مضارع (گذرا شده) + د (ید) ← بن ماضی گذرا شده.  
 مثال: چرخیدن ← چرخ + ان ← چرخان (گذرا شده) + د (ید) ← چرخاند / چرخانید  
 کودک خوابید ← خواب + ان ← خوابان (گذرا شده) + د (ید) ← خواباند / خوابانید: مادر کودک را خواباند (گذرا به مفعول).  
 از این قرار است مصادر زیر: رسیدن، پریدن، چکیدن، دویدن، باریدن و ....

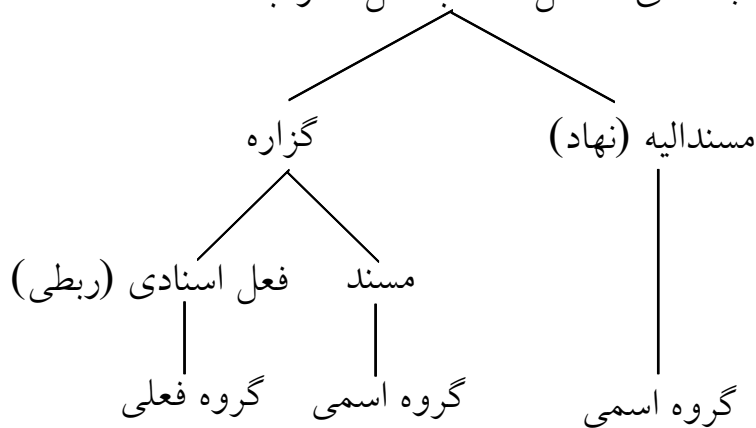
فعل‌هایی ناگذری نیز هستند که به روش گفته شده گذرا نمی‌شوند بلکه صورت گذرای آن‌ها فعل دیگری است؛ مثال:  
 گذرا  
 او آمد ← او کتاب را آورد.  
 گذرا  
 او رفت ← او کتاب را برد.

«نکته»: گاهی فعل‌های گذرا با تکواژ «ان» دوباره گذرا می‌شوند که در این صورت معمولاً فعل به گروه جدیدی (جزء تازه‌ای) نیازمند می‌گردد.

کودک غذا خورد. (سه جزئی گذرا به مفعول) ← مادر به کودک غذا خوراند (چهارجزئی گذرا به مفعول و متمم)  
هوا لطیف می‌گردد. (سه جزئی گذرا به مسند) ← باران هوا را لطیف می‌گرداند. (چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند)

گذرا به مسند: فعل‌های اسنادی (عام، ربطی) که از مصدرهای «بودن، شدن، گشتن و گردیدن» ساخته می‌شوند، علاوه بر گروه اسمی نهاد، به عضو دیگری (گروه اسمی مسند) نیاز دارند. (نهاد + مسند + فعل اسنادی): گل زیباست

جمله‌ی مستقل ساده با فعل گذرا به مسند



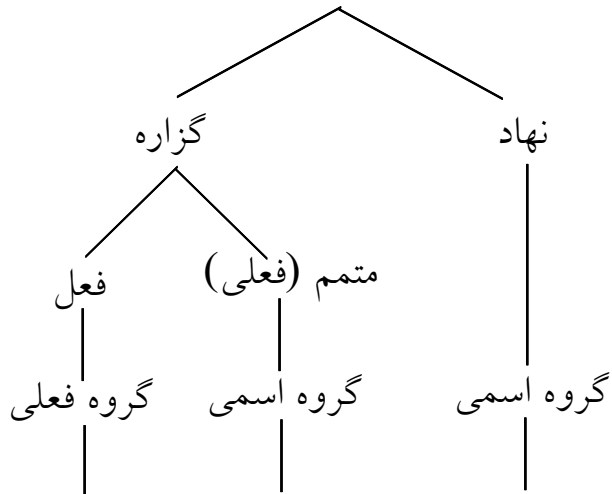
گذرا به متمم: این‌گونه افعال حرف اضافه‌ی اختصاصی دارند و متممی که با این حرف اضافه‌ی اختصاصی ساخته می‌شود را متمم فعلی می‌نامند. (متمم قیدی متممی است که فعل به آن‌ها نیاز ندارد یعنی با حرف اضافه‌ی اختصاصی فعل ساخته نمی‌شود و قابل حذف است یعنی نقش قید را دارد.) (نهاد + متمم (فعلی) + فعل)

## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

برخی از این افعال با حرف اضافه‌ی اختصاصی خود از این قرارند: اندیشیدن «به»، جنگیدن «با»، نازیدن «به»، رنجیدن «از»، ترسیدن «از»، پیوستن «به»، پرداختن «به»، تاختن «به» و ..... .

جمله‌ی مستقل ساده با فعل گذرا به متمم



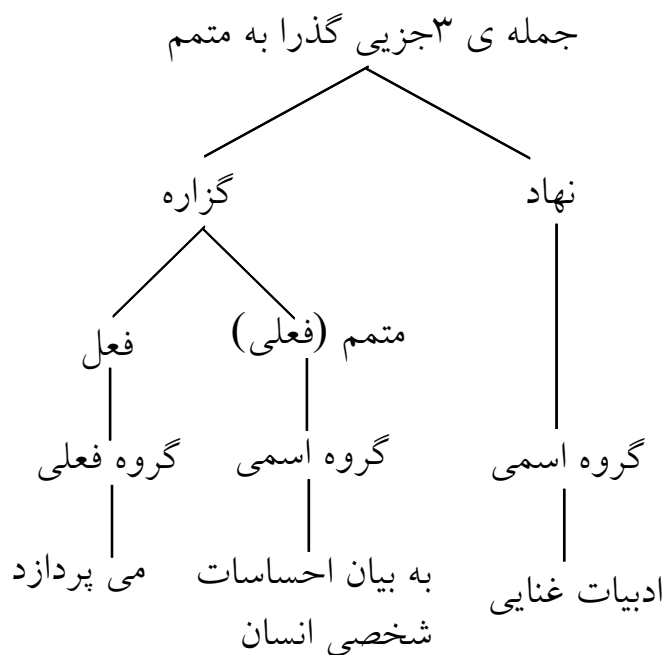
## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

مثال: «ادبیات غنایی با زبانی نرم و لطیف، از اعماق وجود خالق آن، به بیان احساسات شخصی انسان می‌پردازد.»  
با توجه به فعل جمله که - نشان‌دهنده‌ی چندجزیی بودن جمله است - این جمله سه جزیی گذرا به متمم با حرف اضافه‌ی اختصاصی «به» است

پرداختن «به» ؛

نهاد + (به + متمم (فعلی)) + فعل



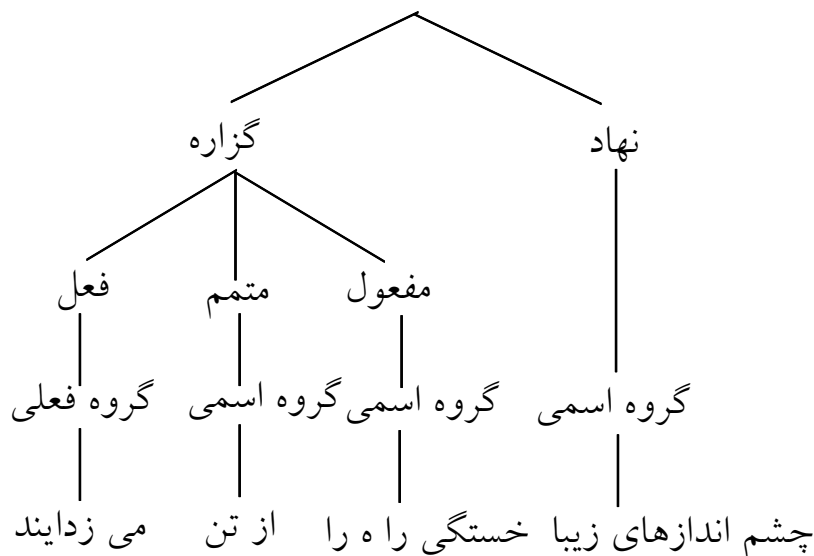
«نکته»: در مثال بالا سه حرف اضافه و بالتبع سه گروه اسمی متمم وجود دارد حرف اضافه: «با، از، به»، اما با توجه به فعل جمله (پرداختن)، حرف اضافه‌ی «به» مخصوص این فعل است و دو حرف اضافه‌ی دیگر همراه با گروه‌های اسمی‌شان متمم قیدی نامیده شده و قابل حذف از جمله می‌باشند.  
با + زبانی نرم و لطیف: متمم قیدی (قابل حذف)  
از + اعماق وجود خالق آن: متمم قیدی (قابل حذف)  
به + بیان احساسات شخصی انسان: متمم فعلی (غیر قابل حذف)

گذرا به مفعول و متمم: بعضی فعل‌ها برای ساخت جمله علاوه بر گروه اسمی نهاد به دو گروه اسمی دیگر هم نیاز دارند: برخی از این افعال عبارتند از: گرفتن، دادن، سپردن، زدودن، بخشیدن و ....  
مثال: چشم‌اندازهای زیبا خستگی راه را از تن می‌زدایند.

نهاد	مفعول	متمم	فعل
پادشاه سیسیل	مقداری طلا	به زرگری داده	بود.
نهاد	مفعول	متمم	فعل

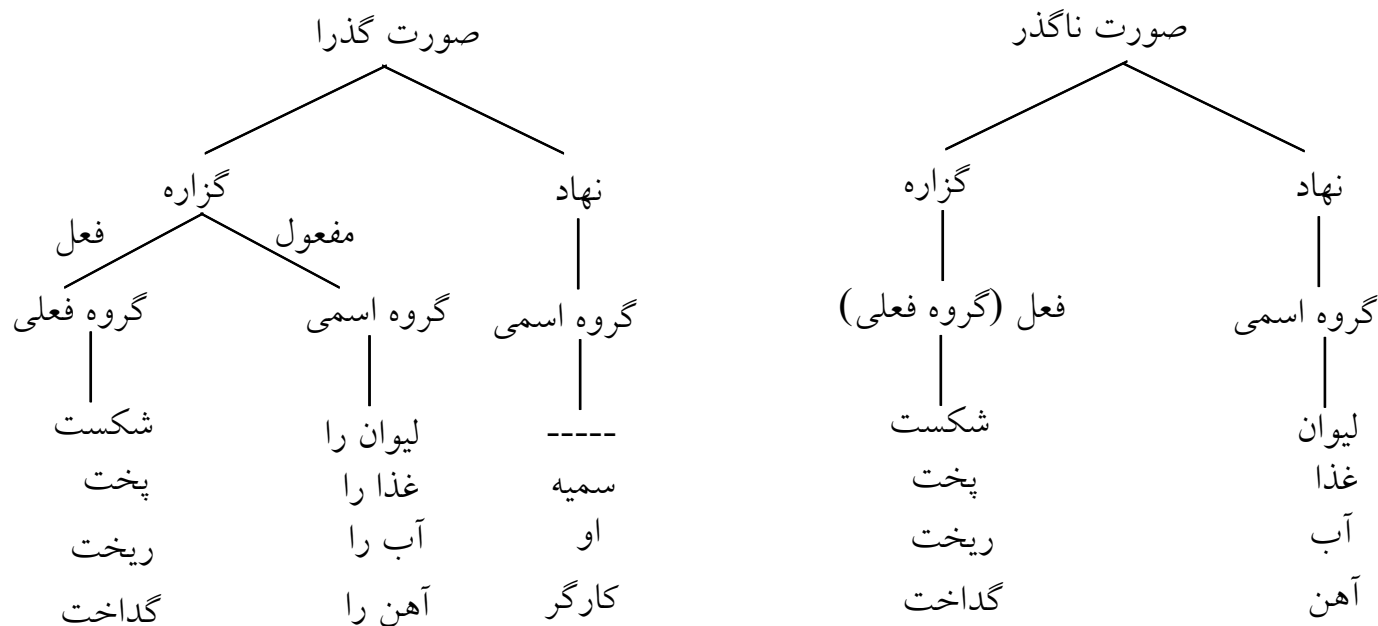
**دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک**  
**خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱**

جمله‌ی مستقل ساده با فعل گذرا به مفعول و متمم (چهارجزیی)



فعل‌های دو وجهی (ذو وجهتین): فعل‌هایی که از مصدرهایی مانند شکستن، پختن، ریختن، گداختن، گسستن، سوختن، پژمردن و ..... ساخته می‌شوند، بدون تغییر معنا به دو صورت «گذرا به مفعول» و «ناگذر» می‌توانند به کار روند.

صورت ناگذر → جمله با فعل دووجهی ← صورت گذرا





## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### بیاموزیم:

- ۱- نشانه‌ی تنوین مخصوص کلمات عربی است. پس کلماتی مانند: «گاه‌ها، ناچاراً، زباناً، جاناً، دوّمأ و ....» را به کار نمی‌بریم و به جای آن‌ها می‌گوییم: «گاهی، به‌ناچار، زبانی، جانی، دوّم و ....»
  - ۲- کلماتی مانند «تلفناً و تلگرافاً» نیز درست نیستند؛ زیرا «تلفن» و «تلگراف» کلمات دخیل غیرعربی هستند و آن‌ها را نباید با تنوین به کار برد.
- نکته:** دخیل: به کلمه‌ای که فارسی نیست ولی در زبان فارسی رایج شده «دخیل» می‌گویند. کلمه‌ی دخیل عربی مانند: کتاب، مداد و .... کلمه‌ی دخیل غیرعربی مانند: موبایل، کلاس، مانتو، کادو و ....

## درس ۱۱

#### مقایسه:

- یکی از راههای پرورش معانی به هنگام نگارش مقایسه است. نکته‌ی قابل توجه این است که مقایسه معمولاً بین دو یا چند پدیده صورت می‌گیرد که از هر نظر قابل سنجش باشند؛ یعنی، میان آن‌ها هم‌گونی و سنخیت وجود داشته باشد.
- هدف از مقایسه آشکار کردن موضوع و مفهوم مورد نظر یا بیان شباهت‌ها، تفاوت‌ها و درجات پدیده‌هاست.
- گاهی غرض از مقایسه، تشخیص وجوه مشترک و شباهت‌هاست. این حالت زمانی پیش می‌آید که نویسنده بخواهد مفاهیم مجرد را محسوس و ملموس سازد. در این گونه موارد، مقایسه حکم تمثیل پیدا می‌کند. در مثنوی مولانا، مفاهیم والای عرفانی با بهره‌گیری از تمثیل به بیانی درآمده است که به ذائقه‌ی عامه خوش‌گوار است.
- در قرآن نیز برای افاده‌ی معانی بلند، بارها شیوه‌ی مقایسه و تمثیل به کار رفته است. در انجیل هم سخنان خلاف عرف به زبان تمثیل، آشنا و پذیرفتنی شده است.
- برتولد برشت آلمانی، نمایش‌نامه‌های «حماسی» و «درام» را با هم این‌گونه مقایسه کرده است:

#### درام

صحنه‌ی حادثه را مجسم می‌کند  
احساسات تماشاگر را جلب می‌کند  
به تماشاگر تجربه می‌آموزد

#### حماسه

صحنه‌ی حادثه را حکایت می‌کند و تماشاگر را به حال خود باقی می‌گذارد.  
تماشاگر را به تصمیم‌گیری وامی‌دارد.  
به تماشاگر معرفت می‌بخشد.

#### بیاموزیم

- هرگاه بخواهیم جمله‌های دعایی عربی را در فارسی به کار ببریم، باید آن‌ها را به طور کامل نقل کنیم.
- مثال: پیامبر اسلام - صلی‌الله‌علیه و آله و سلم - فرمود: من «معلم» برانگیخته شدم.
- خانه‌ی خواجه‌ی من بنده - رزقهُ اللهُ سعادهُ الدارين - قبله‌ی احرار بود. (کلیله و دمنه)
- گاهی به جای کلّ یک جمله‌ی دعایی از نشانه‌ی اختصاری ویژه‌ی آن کمک می‌گیریم. در این صورت نیز لازم است جمله‌ی دعایی مورد نظر که به اختصار نوشته شده است، به طور کامل تلفظ گردد؛

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک  
خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

## درس ۱۲:

### گروه اسمی (۱)

ابتدا باید دانست واحدهای زبان به ترتیب عبارتند از:

«واج، تکواژ (نشانه)، واژه، گروه، جمله، جمله‌ی مستقل»

پس هر جمله را می‌توان به گروه‌هایی تجزیه نمود؛ انواع گروه‌ها عبارتند از: ۱ - گروه اسمی ۲ - گروه قیدی ۳ - گروه فعلی

که به ترتیب هسته‌های آنها از قرار زیر است: ۱ - اسم ۲ - اسم یا قید ۳ - بن فعل؛

تعریف گروه: واژه‌های متوالی را که در جمله به اتفاق هم نقش نحوی ایفا می‌کنند، گروه می‌نامند. اصلی‌ترین جزء گروه، «هسته» نام دارد که می‌تواند به تنهایی جایگاه گروه را پر کند.

تجزیه‌ی یک جمله به گروه‌های تشکیل‌دهنده‌اش و تشخیص مرز میان گروه‌ها، راههایی دارد به شرح ذیل:

- ۱ - حذف کردن: که البته فقط در مورد گروه‌های اختیاری (قیدها) صدق می‌کند بدین معنی که اگر بتوان چند واژه‌ی متوالی را حذف کرد بی‌آن‌که به دستوری بودن جمله، لطمه‌ای وارد شود، این واژگان متوالی یک گروه شمرده می‌شود: دو سه روز پیش، دوست قدیمی‌ام را دیدم ← دوست قدیمی‌ام را دیدم. ← دو سه روز پیش: گروه قیدی
- ۲ - جایگزین‌پذیری: من، دوست قدیمی‌ام را دیدم ← من، او را دیدم. ← دوست قدیمی‌ام: گروه اسمی
- ۳ - جابه‌جایی: معمولاً یک گروه مستقل را می‌توان در جمله جابه‌جا کرد:

مهم‌ترین مسئله‌ی متخصصان تعلیم و تربیت، کاهش مشهود توانایی خواندن و نوشتن در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاه

۳

۲

۱

است.

۴

کاهش مشهود توانایی خواندن و نوشتن در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاه مهم‌ترین مسئله‌ی متخصصان تعلیم و تربیت

۱

۳

۲

است.

۴

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

گروه اسمی: یک واحد نحوی است که در ساخت جمله در جایگاه‌های نهاد، مفعول، متمم، مسند، مضاف‌الیه، بدل و منادا قرار می‌گیرد و هسته‌ی آن «اسم» است. گروه اسمی تکرارپذیرترین گروه در جمله است.

«نکته» وجود هسته در گروه، اجباری و وجود وابسته‌ها، اختیاری است.

گروه اسمی ← (وابسته‌ها) ی پیشین (هسته) (وابسته‌ها) ی پسین

||  
اسم

\* (پراتز نشانه‌ی اختیاری بودن است.)

ابتدا باید بتوان جمله را به گروه‌های تشکیل‌دهنده‌اش تجزیه نمود و سپس در مورد گروه (ها) ی اسمی آن جمله و هسته و وابسته‌های آن بحث نمود.

مثال: ۱ - خبرنگار روزنامه جریان حادثه را از مردم محل پرسید.

گروه اسمی گروه اسمی گروه اسمی گروه فعلی

۲ - روزی صیادی از رودخانه ماهی قزل‌آلای بزرگی گرفت.

گروه قیدی گروه اسمی گروه اسمی گروه اسمی گروه فعلی

↓ نقش: نهاد  
↓ نقش: مفعول  
نقش: متمم (فعلی)

«نکته»: یکی از ساده‌ترین راه‌های تشخیص هسته‌ی هر گروه اسمی این است که بعد از مشخص شدن آن گروه اسمی، اگر وابسته‌های پیشین داشت، آن‌ها را حذف می‌کنیم و به اولین واژه‌ای که برمی‌خوریم، هسته‌ی گروه اسمی است و اگر وابسته‌ی پیشین نداشت، اولین واژه‌ی آن گروه، هسته است. یکی دیگر از ملاک‌های تشخیص هسته این است که معمولاً اولین واژه‌ای که در گروه، نقش نمای اضافه (کسره) می‌گیرد، هسته است:

آن دو درختِ تنومندِ باغِ همسایه  
هسته

این چند دانش آموز

هسته

در گروه اسمی که هیچ‌کدام از واژه‌ها نقش نمای اضافه ندارند، هسته آخرین واژه است:

این چند دانش آموزِ زرنگ

هسته

که اگر آن را گسترش دهیم، «دانش آموز» اولین واژه‌ای است که نقش نمای اضافه می‌گیرد:

#### اسم

در برخی از زبان‌ها، اسم نشانه‌ی ویژه‌ای دارد که بدان شناخته می‌شود؛ مانند نشانه‌های «the»، «das»، «ال» و «le la»

در زبان انگلیسی، آلمانی، عربی و فرانسه. در زبان فارسی، اسم نشانه‌ی ویژه‌ای ندارد.

راه‌های تشخیص اسم: ۱ - اسم‌ها - جز اسامی خاص - جمع بسته می‌شوند: مزرعه‌ها، بانوان و ...

۲ - اسم‌ها - جز اسامی خاص - نشانه‌ی نکره می‌پذیرند: کتابی، یک دفتر و ...

۳ - اسم‌ها - جز اسامی خاص - وابسته‌های پیشین (این، آن، چند، هر و ...) را می‌پذیرند: این دختر، آن منظره، چند مقاله، هر استان و ...

۴ - واژه‌هایی که در نقش نهاد، مفعول، متمم، مسند، منادا و مضاف‌الیه به کار می‌روند، اسم‌اند.

## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### ویژگیهای اسم:

- ۱ - شمار
- ۲ - شناس
- ۳ - عام و خاص
- ۴ - ساخت اسم

#### شمار:

مفرد: یکی است و نشانه‌ی جمع ندارد: کتاب

۱ - انواع اسم از نظر شمار

جمع: بیش از یکی است و نشانه‌ی جمع دارد.  
(یا جمع مکسر است): کتاب‌ها، کتب

اسم جمع: بیش از یکی است و نشانه‌ی جمع ندارد: گروه

نشانه‌های جمع: «ها، ان، ات، ون، ین، جات و یات» که دوتای اول، نشانه‌های جمع فارسی‌اند؛ مانند: کتاب‌ها، ابروان، مبارزات، مادّیون، ساکنین، شیرینی‌جات و عطریات.

#### شناس:

- ۲ - اسم‌ها از نظر شناس
- شناس (معرفه)
  - ناشناس (نکره)
  - اسم جنس

شناس (معرفه): اسمی که برای شنونده شناخته شده باشد یا فرض بر این باشد که شناخته شده است؛ برخی از گروه‌هایی که شناس هستند به قرار ذیل است: ۱ - اسامی خاص: سعید، رخس، شب‌دیز و ... ۲ - اسم پدیده‌های منحصر به فرد: بهشت، خورشید و ... ۳ - برخی اسامی مبهم مثل: فلانی ۴ - ضمیرها: من، تو و ... ۵ - برخی اسم‌های زمان: امسال، دیروز و ... ۵ - مناداها ۶ - مفعول‌ها و ...

ناشناس (نکره): اسمی است که برای شنونده یا گوینده ناشناخته باشد. نشانه‌های اسم ناشناس دو عنصر زیرند: ۱ - «یک» نکره پیش از اسم: یک نفر را دیدم. ۲ - «ی» و «ی را» پس از اسم: کتابی (را) خریدم.

اسم جنس: اسمی است که نه شناس است و نه ناشناس؛ هیچ نشانه‌ای هم ندارد و منظور از آن تمامی افراد طبقه‌ی خودش است نه یک یا چند عضو مشخص. اسم جنس معمولاً تکیه‌ی جمله را به خود اختصاص می‌دهد: دیروز مقاله خواندم. (منظور این است که چیز دیگری نخواندم و فقط مقاله خواندم).

اسم جنس

«نکته»: در اسم جنس، یک اسم از نظر جنسیت در تقابل با اجناس دیگر قرار می‌گیرد. وقتی می‌گوییم: «سیب خوردم» اجناس دیگر نفی می‌شوند؛ یعنی، چیز دیگری نخوردم.

## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### اسم عام:

اسمی است که:

(الف) جمع بسته می‌شود: مرد ← مردها/ گل ← گل‌ها

(ب) «ی» نکره می‌گیرد: مدرسه ← مدرسه‌ای / شاگرد ← شاگردی

(ج) بر همه‌ی افراد طبقه‌ی خود که ممکن است مفرد، جمع یا اسم جمع و معرفه، نکره یا اسم جنس باشد، دلالت می‌کند:

گل به مراقبت نیاز دارد. (جنس، مفرد، عام) / گلی را در باغچه کاشتم. (ناشناس، مفرد، عام)

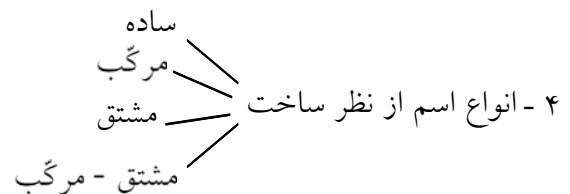
#### اسم خاص:

نه جمع بسته می‌شود و نه نشانه‌ی نکره می‌پذیرد (اگر با نشانه‌ی جمع بیاید، معنی نظایر را می‌دهد). در واقع اسمی است که همه‌ی افراد هم‌جنس را شامل نمی‌شود: سعید (نام فرد خاصی است)، تهران (نام شهر خاصی است)، قرآن (نام کتابی خاص)

«نکته»: اسم‌های خاص را اصولاً در چهار دسته می‌توان جای داد:

- ۱ - اسم مخصوص انسان: مریم، مهدی، مهشید و ...
- ۲ - اسم مخصوص حیوانات: رخس، شب‌دیز، ذوالجنح و ...
- ۳ - اسم مخصوص مکان‌ها: مشهد، آسیا، البرز، مرّیخ و ...
- ۴ - اسم کتاب و اشیایی که بیش از یکی نیستند: انجیل، حجرالاسود، کوه نور و ...

#### ساخت اسم:



#### اسم ساده:

اسمی است که فقط یک تکواژ (نشانه) دارد یعنی تقسیم پذیر نیست: زبان، دفتر، کبوتر و ...  
«نکته» بعضی از اسامی که امروز، ساده به حساب می‌آیند، در اصل ساده نبوده‌اند: آسمان ← آس + مان

#### اسم مرگّب:

اسمی است که از دو یا چند تکواژ (نشانه‌ی) قاموسی / آزاد تشکیل می‌شود؛ به عبارتی دیگر یعنی تمام تکواژها (نشانه‌های) آن با معنی باشد و معنی آن تکواژ با واژه ارتباط داشته باشد:  
آب انبار، کتابخانه، سفیدرود، آب‌دوغ خیار، قافله‌سالار و ...

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

اسم مشتق:

اسمی است که در ساختمان آن فقط و تنها فقط یک تکواژ (نشانه‌ی) آزاد (معنی‌دار) و دست کم یک تکواژ (نشانه‌ی) وابسته‌ی اشتقاقی (وند مشتق‌ساز و نه وند صرفی) وجود دارد:  
هفته ← هفت + ه

پس وند مشتق‌ساز

کارگاه ← کار + گاه

پس وند مشتق‌ساز

بی‌ادب ← بی + ادب

پیش‌وند مشتق‌ساز

دانشگاه ← دان + ش + گاه

وند مشتق‌ساز وند مشتق‌ساز

اسم مشتق - مرکب:

اسمی است که هم مرکب باشد و هم مشتق؛ یعنی، دو یا چند تکواژ (نشانه‌ی) آزاد (واژگانی: بامعنی) و یک یا چند وند اشتقاقی داشته باشد: دانشنامه ← دان (تکواژ قاموسی) + ش (وند اشتقاقی «میان‌وند») + نامه (تکواژ قاموسی)

وند:

تکواژی (نشانه‌ای) است وابسته که معنای مستقل ندارد و بر حسب جایگاهش در ساختمان واژه، به سه نوع: «پیشوند،

بیان‌وند، پسوند» تقسیم می‌شود: بی‌ادب / سر و سامان / کوشش  
پیش‌وند    میان‌وند    پس‌وند

وندها دو دسته‌اند: ۱ - تصریفی ۲ - اشتقاقی

وندهای تصریفی از این قرارند: ۱ - نشانه‌های جمع ۲ - نشانه‌های صفت تفضیلی (تر) و صفت عالی (ترین) ۳ - «ی»  
نکره ۴ - «می» نشانه‌ی استمرار در فعل ماضی استمراری و مضارع اخباری ۵ - «ب» در فعل امر و مضارع التزامی ۶ - شناسه‌ها

برخی تکواژهای اشتقاقی عبارتند از:

«زار» ← گلزار / «ار» ← گفتار / «یت» ← انسانیت / «ن» ← نوشتن / «نده» ← گوینده / «و» ← سر و سامان / «ان» ← سوزان و ...

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

## درس ۱۳

### با چه خطی بنویسیم؟

خط شبه‌نسخ: برای چاپ کتاب و مطبوعات مناسب است و عمل «خواندن» را آسان می‌کند؛ این خط زاویه‌دار و یک‌نواخت است و در آن، حرف‌ها کنار هم چیده می‌شوند. از مزایای خط شبه‌نسخ این است که در آن، حروف به شکل واضح و برجسته در کنار یک‌دیگر قرار می‌گیرند. به همین دلیل، برای یادگرفتن الفبای فارسی در پایه‌ی اول دبستان چنین خطی را پیشنهاد کرده‌اند. این خط را به دلیل شباهت به خط نسخ، «شبه‌نسخ» می‌گویند. البته این خط موجب کندی در نوشتن می‌شود.

- خط تحریری: در این خط شکل حروف و کلمات ظریف، منحنی و متعادل است؛ حرف‌ها با یک‌دیگر تناسب و تقارن دارند و «نوشتن» آن‌ها سریع‌تر انجام می‌گیرد؛ زیرا حروف به جای «زاویه» قوس دارند. به همین سبب برای نوشتن، خط تحریری توصیه می‌شود. «تحریر» در لغت به معنای نوشتن است. خط تحریری در اصطلاح، خط نوشتن با دست است.

- خط تحریری هرچند به خط نستعلیق ریز نزدیک است و از لوازم مهارت نوشتن به‌شمار می‌رود، نباید صرفاً خط هنری و خوش‌نویسی تلقی شود.

- خط تحریری به سبب ظرافت، زیبایی و سرعتی که در نوشتن آن است، برای دست‌نوشته‌های ما خط «معیار» به‌شمار می‌رود.

## درس ۱۴

### توصیف

- «توصیف» یکی از راه‌های رایج پروردن مطالب است و تنها در نوشته‌های داستانی و شعر یا گزارش و سفرنامه کاربرد ندارد بلکه در علوم و فنون هم به‌گونه‌ای مؤثر و فعال به کار می‌رود. در علوم تجربی گاه به جای تعریف یک شیء یا پدیده به توصیف آن می‌پردازیم.

- عناصر خیال در توصیف نقش اساسی دارند. در توصیفات ادبی برای آن‌که موصوف در برابر مخاطب مجسم گردد و تصویری زنده از آن ارائه شود، از عناصر خیال استفاده می‌کنیم.

- توصیف ممکن است به فراخور موضوع، انواع متعددی پیدا کند.

- حواس پنج‌گانه و تجربه‌های حسی و عاطفی، مواد توصیف را می‌سازند.

- به کارگیری واژگان مناسب به ساخت فضای خاص کمک فراوان می‌کند؛ بنابراین نویسنده برای بیان هر یک از گونه‌های وصف یا کیفیات و حالت‌های گوناگون، به گنجینه‌ی واژگان درخور و متناسبی نیازمند است.

- در توصیف، استفاده از هرگونه صفت، فعل و قید مناسب ضروری است. از این‌رو، نویسنده باید ضمن بهره‌مندی از هنر مشاهده، الفاظ کافی و درخوری را در ذهن داشته باشد تا بتواند در هر موقع و مقام، تعبیری مناسب بیاورد.

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

- در توصیف نباید از همه‌ی جزئیات سخن گفت بلکه باید تنها به آن دسته از جزئیات پرداخت که به روشن‌تر شدن مقصود کمک می‌کنند.

## درس ۱۵:

### زبان‌شناسی چیست؟ (۱)

می‌دانیم که زبان یک نظام است و کار اصلی آن ایجاد ارتباط میان انسان‌ها است و شکل‌های گوناگونی از قبیل گونه، لهجه و گویش دارد. زبان در زندگی انسان نقش مهمی دارد؛ به همین دلیل شمار فزاینده‌ای از روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، آموزگاران و ... به مطالعه‌ی بسیار عمیق در زمینه‌ی زبان نیازمندند؛ زبان‌شناسی کارکرد زبان را به شیوه‌ی علمی توجیه می‌کند.

زبان‌شناسی مطالعه‌ی علمی و نظام‌مند زبان است. منظور از کلمه‌ی علمی این است که زبان‌شناسی نیز مثل سایر علوم از روش‌های رایج در تحقیقات علمی استفاده می‌کند. بشر از دیرباز به کار مطالعه‌ی زبان علاقه‌مند بوده است. برای مثال در «هشت کتاب» اثر «پانی‌نی» که قدمت آن تقریباً به ۶۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد، قواعد دستور زبان سانسکریت مطرح شده است.

در گذشته زبان را به قصد شناختن خود آن مطالعه نمی‌کردند بلکه هدف از مطالعه‌ی زبان، حفظ کتب آسمانی و آثار ادبی از دگرگونی‌های ناشی از گذشت زمان بود یا ایجاد ارتباط میان اقوام و مللی که به زبان‌های مختلف سخن می‌گفتند که به آن «زبان‌شناسی سنتی» می‌گویند.

### زبان‌شناسی نوین:

مطالعات زبان‌شناسی نوین در آغاز قرن بیستم با تحقیقات و آرای زبان‌شناس سوئیسی «فردینان دوسوسور» - پدر زبان‌شناسی جدید - مسیر و شیوه‌ای تازه یافت. زبان‌شناسی جدید، زبان را در درجه‌ی اوّل به قصد شناختن خود آن مطالعه می‌کند و فقط به کشف واقعیات موضوع زبان می‌پردازد تا بتواند پاسخ پرسش‌های بسیاری را از قبیل پرسش‌های زیر بیابد: زبان چیست؟ زبان چگونه عمل می‌کند؟ تفاوت‌ها و مشترکات زبان‌ها کدامند؟ چه ویژگی‌هایی زبان انسان را از زبان حیوانات جدا می‌کند؟ زبان‌ها چرا و چگونه تغییر می‌کنند؟ و ...

نام دیگر زبان‌شناسی جدید، ساخت‌گرا یا همگانی است. یکی دیگر از مشکلات زبان در زبان‌شناسی جدید، تغییر و تحوّل دائمی آن است که برای رفع این مشکل، زبان‌شناسان عامل «زمان» را که موجب تغییر و تحوّل در زبان می‌شود، کنار می‌گذارند.

### زبان‌شناسی تاریخی:

شاخه‌ای در زبان‌شناسی وجود دارد که به آن زبان‌شناسی تاریخی (در زمانی = Diachronic) می‌گویند؛ بررسی صورت‌هایی نظیر «دیدستم»، «مرا اکرام ضیف را»، «خویشتن را اندرافکن» و ... مربوط به این شاخه می‌شود.

### گویش معیار

به علت گستردگی زبان و وجود گونه‌ها، لهجه‌ها و گویش‌های مختلف آن، زبان‌شناسی تنها می‌تواند در زمینه‌ی یکی از گویش‌ها به تحقیق بپردازد. شکلی که بیشتر برای این کار برگزیده می‌شود، یکی از شکل‌های نوشتاری یا گفتاری «گویش معیار» است.



## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### گوش‌شناسی:

ممکن است زبان‌شناس، تحقیقات خود را بر یک گوش خاصّ جغرافیایی، اجتماعی و ... متمرکز کند؛ در این صورت زمینه‌ی کار او را «گوش‌شناسی» می‌گویند.

هر چه ارتباط میان گویشوران گویش‌های مختلف کم‌تر شود - از جمله موانع ارتباطی شامل موانع فیزیکی مانند دریا و کوه و ... و موانع اجتماعی هم‌چون مسائل سیاسی، نژادی، طبقاتی و ... - تفاوت گویش‌ها به طور نسبی افزایش می‌یابد.

«نکته»: فارسی معیار گونه‌ای از فارسی است که: ۱ - زبان رسمی کشور است. ۲ - مورد استفاده‌ی روزنامه‌ها و کتاب‌هاست و رسانه‌های گروهی آن را به کار می‌برند. ۳ - زبانی است که در مدارس فارسی زبان تدریس می‌شود. ۴ - به عنوان زبان دوّم، به زبان‌آموزان خارجی آموخته می‌شود. ۵ - در باور عامّه به عنوان زبان خالص و صحیح شناخته شده است.

#### بیاموزیم

به نظر شما کدام جمله صحیح است؟ چرا؟

(الف) حواسّ انسان عبارتست از: بینایی، شنوایی، بویایی و ...

(ب) حواس‌های انسان عبارتست از: بینایی، شنوایی، بویایی و ...

کلمه‌ی «حواس» جمع حس است و نباید دوباره آن را جمع بست. پس جمله‌ی «ب» نادرست است؛ همین‌طور است کلمات: اولادها، طرق‌ها، کتب‌ها، مدارکات، اخبارها، اخلاق‌ها و ... که باید هنگام جمع کردن این گونه کلمات بگوییم: اولاد، طرق، کتب، مدارک، اخبار، اخلاق و ...

«نکته‌ی ۱» می‌توانیم به جای بعضی جمع‌های مکسّر، مفرد آن‌ها را همراه با نشانه‌ی جمع فارسی «ها» به کار ببریم؛ مانند: «طریق‌ها» و «خبرها» به جای «طرق» و «اخبار»

«نکته‌ی ۲» بعضی از کلمات عربی که ذاتاً جمع عربی هستند، گاهی در فارسی با معنی مفرد به کار می‌روند که می‌توان آن‌ها را با نشانه‌های جمع، جمع بست؛ مانند: عمله (جمع عامل)، اسلحه (جمع سلاح)، حقوق (جمع حق)، طلبه (جمع طالب) و ...

## درس ۱۶:

#### گروه اسمی (۲) - وابسته‌های اسم:

یکی از اصول دستور ساختاری، تجزیه و طبقه‌بندی است؛ مثلاً گروه اسمی را از گروه فعلی جدا می‌سازد و در واقع، تجزیه و طبقه‌بندی می‌کند.

گروه اسمی یکی از عناصر مهمّ تشکیل‌دهنده‌ی جمله است که چون می‌تواند جایگاه‌های نهاد، مفعول، مسند، متمّم، بدل، منادا و ... را اشغال کند، بیش‌ترین بسامد را در هر جمله و زبانی دارد و در واقع، تکرارپذیرترین گروه در جمله است.

هسته و وابسته‌ها: هسته (= اسم) عنصر اصلی گروه اسمی است و به همراه آن یک یا چند وابسته نیز می‌تواند وجود داشته باشد. وابسته‌هایی را که پیش از هسته می‌آیند، «وابسته‌های پیشین» و وابسته‌هایی را که پس از هسته می‌آیند، «وابسته‌های پسین» می‌نامند.

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

«نکته‌ی مهم»: هسته نقش نیست ولی می‌تواند نقش‌های مختلفی از جمله نهاد، مفعول، مسند، متمم و ... را بپذیرد.

وابسته‌ها:

وابسته‌های پیشین بدون هیچ رابطه‌ای با هسته‌ی خود هم‌نشین می‌شوند ولی وابسته‌های پسین معمولاً توسط رابط «-e» (یا «-ye») اگر اسم قبل از آن‌ها به مصوت ختم شود) به هسته‌ی خود متصل می‌شوند؛ این دو کتاب خواندنی

«نکته»: معمولاً هر کدام از وابسته‌ها جایگاه خاص خود را دارند؛ مثلاً از میان ۳ جمله‌ی زیر فقط جمله‌ی اول صحیح است:

الف) این هر دو کتاب (ب) هر این دو کتاب (ج) دو هر این کتاب

انواع وابسته‌های پیشین در گروه اسمی:

۱ - صفت اشاره

۲ - صفت پرسشی

۳ - صفت تعجبی

۴ - صفت شمارشی  $\left\{ \begin{array}{l} \text{اعداد اصلی} \\ \text{ترتیبی نوع اول} \end{array} \right.$

۵ - صفت عالی

۶ - صفت مبهم

۷ - شاخص

۱ - صفت اشاره: این، آن، همین، همان، چنین، چنان + اسم (هسته)

«نکته»: چنان‌چه این واژه‌ها به تنهایی یا به عنوان وابسته‌ی پسین ظاهر گردند. ضمیر اشاره‌اند که ممکن است هسته یا مضاف‌الیه باشند.

این همه کتاب پر محتوا/ همان گل لاله/ این را بگیر!

صفت اشاره      صفت اشاره      ضمیر اشاره ← نقش مفعول  
(وابسته‌ی پیشین)      (وابسته‌ی پسین)      (هسته)

درس را بخوانید و کلمه‌های جدید آن را استخراج کنید.

ضمیر اشاره      ← مضاف‌الیه  
(وابسته‌ی پسین)

صفت اشاره وابسته پیشین است که معمولاً در دورترین جایگاه نسبت به هسته قرار می‌گیرد:

الف) این دو رودخانه      ب) این بهترین استاد      د) این همه برف

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

۲ - صفت پرسشی: چه، چند، کدام، چندین + اسم (هسته)

«نکته‌ی ۱»: اگر این واژه‌ها به تنهایی بیایند (یعنی بعد از آن‌ها اسمی نیاید) و مفهوم پرسش را برسانند، ضمیر پرسشی‌اند.

«نکته‌ی ۲»: واژه‌های پرسشی دیگری نیز داریم که اغلب نقش قیدی دارند و صفت پرسشی محسوب نمی‌شوند: آیا، چرا، مگر، کی، کجا و ...

چه کتابی خواندی؟ / چند کتاب خواندی؟ / کدام کتاب را خواندی؟ / چندمین کتاب را خواندی؟

صفت پرسشی (وابسته‌ی پیشین)	صفت پرسشی (وابسته‌ی پیشین)	صفت پرسشی (وابسته‌ی پیشین)	صفت پرسشی (وابسته‌ی پیشین)
-------------------------------	-------------------------------	-------------------------------	-------------------------------

«نکته‌ی ۳»: «چه» اگر در جمله‌ی عاطفی به عنوان وابسته‌ی پیشین به کار رود (یعنی قبل از اسم واقع شود)، صفت

چه منظره‌ی زیبایی!

تعجبی است؛ مثلاً: صفت تعجبی

(وابسته‌ی پیشین)

چند کتاب خواندم.

«نکته‌ی ۴»: «چند» اگر در جمله‌ی خبری به عنوان وابسته‌ی پیشین به کار رود، صفت مبهم است؛ صفت مبهم

(وابسته‌ی پیشین)

«نکته‌ی ۵»: «چندمین» اگر در جمله‌ی خبری به عنوان وابسته‌ی پیشین به کار رود، صفت مبهم است؛ مثلاً: چندمین بار

است که به استادایوم می‌روم.

۳ - صفت تعجبی: چه، عجب + اسم (هسته)

چه سخنی! / عجب هوایی!

صفت تعجبی (وابسته‌ی پیشین)	صفت تعجبی (وابسته‌ی پیشین)
-------------------------------	-------------------------------

می‌بینم که صفت تعجبی با «ی» نکره همراه است که پس از هسته قرار می‌گیرد.

وجود «ی» نکره تقریباً اجباری است؛ چون، نمی‌توانیم بگوییم: چه سخن! چه هوا!

تنها در صورت جمع بستن هسته می‌توان نشانه‌ی «ی» را حذف کرد: چه حرف‌ها!

۴ - صفت شمارشی:

الف) اعداد اصلی + اسم (هسته): چهار اتومبیل

ب) اعداد ترتیبی:

(عدد اصلی + مین) + اسم (هسته):

دومین خیابان / پنجمین ساختمان

صفت شمارشی	صفت شمارشی
------------	------------

«نکته»: این اعداد ترتیبی در صورتی صفت شمارشی هستند که وابسته‌ی پیشین اسم باشند و نقش نمای اضافه

(کسره) نداشته باشند:

دومین شما

اسم (هسته)

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

یک کتاب      پنج کتاب

«نکته‌ی ۱» در زبان فارسی معدود (هسته)، همیشه مفرد است: صفت شمارشی      صفت شمارشی  
(وابسته‌ی پیشین)      (وابسته‌ی پیشین)

«نکته‌ی ۲» معمولاً برای شمارش تعداد یا اندازه و وزن معدود، پس از عدد، واحد شمارشی می‌آید که وابسته‌ی عدد است و «ممیز» نام دارد:

پنج توپ پارچه / دو فروند هواپیما / سه نفر شتر / دو باب مغازه و ...  
ممیز      ممیز      ممیز      ممیز

در گروه اسمی، واحد شمارش مستقل از عدد همراه معدود (هسته) نمی‌آید و این، نشانگر آن است که واحد شمارش به تنهایی وابسته‌ی هسته نیست بلکه وابسته‌ی عدد (وابسته‌ی وابسته) است.  
× توپ پارچه / × فروند هواپیما / × نفر شتر و ...

۵ - صفت عالی: (صفت بیانی + ترین = صفت عالی) + اسم (هسته):

«نکته»: صفت عالی نیز ممکن است که هسته شود اگر وابسته‌ی پیشین اسم نباشد و نقش نمای اضافه (کسره) بگیرد:

بهترین دانش آموز      بهترین دانش‌آموزان  
صفت عالی      اسم (هسته)  
(وابسته‌ی پیشین)

۶ - صفت مبهم:

هیچ، همه، هر، فلان، چند، کمی، مقداری، پاره‌ای، بعضی، دیگر، قدری و ... + اسم (هسته):  
هیچ کتابی، این همه مردم، هر دانشجو، فلان کتابخانه، این چند کتاب، مقداری آذوقه و ...  
هر کدام از واژه‌های مزبور نیز در صورتی که وابسته‌ی پیشین اسم باشند و نقش نمای اضافه نداشته باشند، صفت مبهم‌اند.

۷ - شاخص: نزدیکترین وابسته‌ی پیشین به هسته است و عبارتست از اسامی و عناوین و القابی که بلافاصله قبل از هسته و بدون نشانه و نقش نمایی قبل از آن قرار می‌گیرند؛ مانند: مهندس احمدی / علامه طباطبایی / تیمسار محمودی / آقا محسن و ...  
اگر همراه با این اسامی و القاب، نقش نمای اضافه (کسره) بیابد، دیگر شاخص نیستند و خود هسته‌ی گروه اسمی می‌شوند:

استاد احمدی / استاد احمدی  
شاخص هسته      هسته (اسم)

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

تعداد وابسته‌های پیشین ممکن در گروه اسمی:

در زبان فارسی گروه اسمی‌ای را نمی‌توان یافت که همه‌ی وابسته‌های پیشین در آن به کار رفته باشند. حداکثر وابسته‌های پیشین که در یک گروه اسمی می‌تواند وجود داشته باشد، چهارتاست:

همان هر چهار آقا پسر

وابسته‌های پیشین (۱) (۲) (۳) (۴) هسته

(۱) صفت اشاره (۲) صفت مبهم (۳) صفت شمارشی (۴) شاخص

صفت اشاره	صفت پرسشی	صفت تعجبی	صفت شمارشی (۱)	صفت عالی	صفت مبهم	هسته
-----------	-----------	-----------	----------------	----------	----------	------

وابسته‌های پیشین

## درس ۱۷

### ساده نویسی

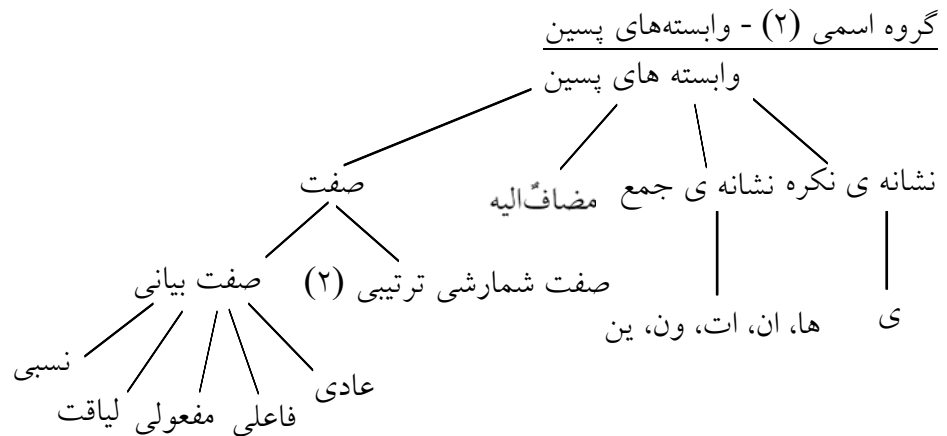
- ساده نویسی یکی از فنون و مهارت‌های نگارشی است.
- ویژگی‌های یک نوشته‌ی ساده عبارتند از:
  - ۱- برخورداری از زبانی صمیمی و نزدیک به زبان گفتار
  - ۲- سادگی، روانی و کوتاهی جمله‌ها
  - ۳- پرهیز از به کارگیری عبارت‌های دشوار و زاید (حشو)
  - ۴- قابل فهم بودن نوشته

نکاتی که در ساده نویسی، توجه بدان‌ها ضروری است:

- (الف) نزدیکی زبان نگارش به زبان گفتار که به نوشته روح و تحرک بیشتری می‌بخشد.
- (ب) نقل مطالب پس از فهم دقیق به زبان خودمانی که سبب افزایش صداقت و صمیمیت می‌شود.
- (ج) پرهیز از جملات بلند؛ زیرا هرچه جمله‌ها کوتاه‌تر باشند، مفهوم را زودتر و بهتر می‌رسانند.
- (د) خودداری از شاخ و برگ دادن بی‌مورد به مطالب و دوری کردن از کاربرد عبارت‌های فضل فروشانه
- (ه) پرهیز از کاربرد واژگان و عبارت‌های زاید و کلی‌گویی‌ها و ابهام.
- (و) پرهیز از به کار گرفتن آرایه‌های ادبی در نوشته‌های علمی و غیرادبی.

دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک  
خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

## درس ۱۸:



می‌دانیم که گروه اسمی عبارت است از یک هسته (اجباری) و یک یا چند وابسته (اختیاری).  
گروه اسمی: (وابسته «ها»ی پیشین) + هسته + (وابسته «ها»ی پسین)

## وابسته‌های پسین:

- ۱ - «ی» نکره
- ۲ - نشانه‌ی جمع: ها، ان، ات، ون، ین: انسان‌ها، ابروان، استحکامات، انقلابیون، معتمدین
- ۳ - مضاف‌الیه
- ۴ - صفت

«ی» نکره: این نشانه که برابر با «یک» نکره است، پس از اسم عام می‌آید و اسم را ناشناس می‌کند: گلی خوش‌بو = یک گل خوش‌بو

مضاف‌الیه: وابسته‌های پسین - غیر از نشانه‌ی نکره و نشانه‌ی جمع - یا صفت‌اند یا اسم؛ در صورتی که وابسته‌ی پسین «اسم» یا چیزی به جای آن باشد، نقش آن مضاف‌الیه است. مانند: کتابِ معلم - کتابِ من.

## صفت:

الف) صفت شمارشی ترتیبی نوع (۲): عدد اصلی + م: چهار + م: چهارم: ردیف چهارم، کلاس پنجم، کتاب دوّم و ...

«نکته»: صفت شمارشی ترتیبی بعد از کلمه‌ی «ساعت» به صورت عدد اصلی می‌آید: «ساعت پنج» به جای ساعت پنجم.

ب) صفت بیانی: در گروه اسمی، آنچه پس از نقش نمای اضافه (کسره) می‌آید، اگر مضاف‌الیه و صفت شمارشی نباشد، صفت بیانی است.

نکته: واژه‌هایی از قبیل «چندم» و «دیگر» هر چند پس از نقش نمای اضافه (کسره) می‌آیند اما صفت بیانی نیستند.

## دانش‌آموزِ خوش‌فکرِ کلاس

هسته (موصوف) صفت بیانی مضاف‌الیه

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### انواع صفت بیانی:

- ۱ - صفت بیانی عاڈی: تشنه، بی‌آلایش، خوب و ...
- ۲ - صفت فاعلی
- ۳ - صفت مفعولی
- ۴ - صفت لیاقت: مصدر + ی: دیدن + ی: دیدنی، گفتنی و ...
- ۵ - صفت نسبی

#### صفت فاعلی:

- (الف) بن مضارع + نده: شنو + نده = شنونده، گوینده و ...
- (ب) بن مضارع + ان (= حالیه): خند + ان = خندان، گریان و ...
- (ج) بن مضارع + ا (= مشبّهه): توان + ا: توانا، گویا و ...
- (د) بن ماضی یا مضارع + ار: خریدار، پرستار و ...

#### صفت مفعولی:

- (الف) بن ماضی + ه: نشست + ه = نشسته، دیده و ...
- (ب) اسم، صفت + بن ماضی: باد + آورد: بادآورد، خوش‌دوخت و ...

#### صفت نسبی:

- (الف) اسم + ی: اصفهان + ی = اصفهانی، تهرانی، خانگی و ...
- (ب) اسم یا صفت + انه: مرد + انه = مردانه، مؤدبانه و ...
- (ج) اسم + ین/ینه: زرین/زرینه و ...

«نکته»: می‌دانیم هم مضاف‌الیه و هم صفت بیانی بعد از نقش نمای اضافه (کسره) می‌آیند.

راه‌های تشخیص دادن مضاف‌الیه از صفت بیانی: (۱) بعد از مضاف «ی» نکره نمی‌آید:

کتاب علی ← کتابی علی × کتاب خوب ← کتابی خوب ✓

(۲) صفت را نمی‌توان جمع بست:

کیف دانش‌آموز ← کیف دانش‌آموزها ✓ کیف نو ← کیف‌نوها ×

(۳) پس از مضاف‌الیه نشانه‌ی (تکواژ) «تر» نمی‌آید: گل لاله ← گل لاله‌تر × گل زیبا ← گل زیباتر ✓

## درس ۱۹

### خاطره نویسی / یادداشت روزانه

- خاطره نویسی عام‌ترین و صمیمانه‌ترین نوع نوشتن است. خاطره‌نویسی سبب می‌شود که از مراحل و ایام زندگی آثاری جاندار و روشن بر جای بماند.

- خاطره نویسی یکی از مهارت‌های نگارشی است.

موضوع خاطره می‌تواند از هرچیز انتخاب شود؛ مانند: شنیدن یک سخن، تاثیرپذیرفتن از یک نوشته، دیدن یک فیلم، بروز یک حادثه و ... دقت داشته باشید که در ثبت وقایع، «جدول ضربی» عمل نکنید؛ یعنی، تنها حوادث یا مواردی را که از ویژگی یا اهمیتی برخوردارند، یادداشت کنید.

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

- یادداشت‌ها گاه کوتاه و گاه بلندند و از نظم منطقی خاصی پیروی نمی‌کنند اما به هر حال، محتوای آنها باید اثربخش باشد و در خواننده هم حسّی پدید آورد.

- برای نوشتن خاطره و یادداشت روزانه، بهتر است رئوس مسائل مهمّی را که در طول روز برایتان پیش آمده است، یادداشت کنید. در نوشتن یادداشت می‌توانید از شیوه‌ی «طرح سؤال» نیز استفاده نمایید.

- خاطره نویسی به ما فرصت می‌دهد تا از آن چه در زمینه‌های وصف، ساده‌نویسی، مقایسه و خلاصه‌برداری و ... آموخته‌ایم، به خوبی استفاده کنیم و به این ترتیب، گنجینه‌ای گرانبها از «پیمان‌های ایّام» خود گردآوریم.

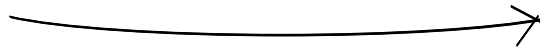
## درس ۲۰:

### ضمیر:

ضمیر واژه‌ای است که معمولاً جانشین گروه اسمی می‌شود؛ به همین دلیل، می‌تواند هسته‌ی گروه اسمی واقع شود و همانند اسم نقش‌های نهاد، مفعول، متمم، مضاف‌الیه و منادا بگیرد.

ضمیر معمولاً برای جلوگیری از تکرار اسم یا گروه اسمی و ... می‌آید؛

مثال: انسان کاوشگر امروز به دنبال کشف حقایق جهان است. او



سعی می‌کند اسرار هستی را کشف نماید و به تعریف و توصیف آن‌ها پردازد.



گاهی استفاده نکردن از ضمیر باعث غیردستوری شدن جمله می‌شود. مانند دو جمله‌ی زیر:

الف) احمد از برادر احمد دو سال کوچک‌تر است.

ب) سرانجام پاییز با طبیعت وداع کرد و جای پاییز را به زمستان داد.

### مرجع ضمیر:

گروه اسمی است که ضمیر، جانشین آن می‌شود و بر دو نوع است:   
 پیش مرجع   
 پس مرجع

### پیش‌مرجع:

مرجع پیش از ضمیر می‌آید. مثال: آرش کمان را گرفت و آن را در دست فشرد.



پس‌مرجع: مرجع پس از ضمیر می‌آید (البته در زبان فارسی چندان رایج نیست).

مثال: هنگامی که متولد شد، پدرش نام او را محمد نهاد.



### اسم مبهم:

گاهی ضمیرهایی در کلام می‌آیند که مرجع مشخصی ندارند؛ مانند: «به حرف‌های این و آن گوش ندهید.»  
 واژه‌های «این» و «آن» در جمله‌های بالا مرجع مشخصی ندارند و به همین دلیل، «اسم مبهم» نامیده می‌شوند.



## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

انواع ضمیر: عبارتند از:

۱ - ضمیر شخصی } جدا (منفصل)  
پیوسته (متصل)

۲ - ضمیر مشترک

۳ - ضمیر اشاره

۴ - ضمیر پرسشی

ضمیر شخصی:

این ضمیر را به این دلیل شخصی می‌نامند که جانشین شخص‌های شش‌گانه می‌شود. اگر ضمیر شخصی به صورت مستقل (آزاد) به کار رود، به آن «ضمیر شخصی جدا» می‌گویند و اگر به صورت نشانه (تکواژهای وابسته بیاید، «ضمیر شخصی پیوسته» نامیده می‌شود.

اشخاص	جدا		پیوسته	
	مفرد	جمع	مفرد	جمع
اول شخص	من	ما	م - مان	
دوم شخص	تو	شما	ت - تان	
سوم شخص	او/آن/وی	ایشان/آنها/آنان	ش - شان	

ضمیر مشترک:

ضمیر «خود» می‌تواند جانشین شش شخص شود؛ به همین دلیل، آن را ضمیر مشترک می‌نامند.

اشخاص	مفرد	جمع
اول شخص	خود می‌روم	خود می‌رویم
دوم شخص	خود می‌روی	خود می‌روید
سوم شخص	خود می‌رود	خود می‌روند

در متون ادبی علاوه بر «خود»، «خویش» و «خویشتن» نیز به کار رفته است.

ضمیر مشترک «خود»، معمولاً همراه با ضمیرهای شخصی پیوسته به کار می‌رود: خودم، خودت و ...

ضمیر اشاره:

واژه‌های «این» و «آن» و صورت‌های جمع این دو «این‌ها، اینان، آن‌ها، آنان» در صورتی که جانشین اسم شوند، ضمیر اشاره به حساب می‌آیند:

کتاب را بگیر و آن را مطالعه کن!

اگر ضمیرهای اشاره به صورت وابسته‌های پیشین اسم بیایند، صفت اشاره محسوب می‌شوند:

این کتاب را بگیر و آن مطلب را مطالعه کن.

صفت اشاره

صفت اشاره

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

ضمیر پرسشی:

واژه‌های «که» (برای انسان)، «چه» و «چند» (برای غیرانسان) و کدام (برای انسان و غیرانسان) وقتی جانشین اسم شوند و پرسشی را برسانند، ضمیر پرسشی محسوب می‌شوند:

که می‌گوید؟ چه می‌خواهی؟ کدام را برداشتی؟ کتاب را چند خریدی؟

«کی و کجا» نیز وقتی جانشین اسم شوند، ضمیر پرسشی‌اند اما اگر جانشین قید شوند، قید پرسشی محسوب می‌گردند:

در زمستان شب از روز طولانی تر است. کی طولانی تر است؟ (ضمیر پرسشی)

اسم (نهاد)

فردا به مسافرت می‌رویم. کی به مسافرت می‌رویم؟ (قید پرسشی)

قید

به کتابخانه رفتم. (به) کجا رفتی؟ (قید پرسشی)

متمم (قیدی)

کوچه را آسفالت کرده‌اند.

اسم (مفعول)

کجا را آسفالت کرده‌اند؟ (ضمیر پرسشی)

«نکته»: هر کدام از ضمیرهای پرسشی اگر وابسته‌ی پیشین اسم باشند، صفت پرسشی نامیده می‌شوند.

چه کتابی را می‌خواهی؟ کدام درس را خوانده‌ای؟ چند نفر آمدند؟

بیاموزیم:

بعد از «به قول معروف» باید نمونه‌ای از مثل‌ها، حکمت‌ها و سخنان برجسته بیاید نه یک مطلب معمولی. مثال:

عبارت ردیف «الف» درست و عبارت ردیف «ب» نادرست است:

الف) آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف زبانم مو درآورد.

ب) آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف خسته شدم.

می‌توانیم جمله‌ی «ب» را این‌طور اصلاح کنیم: آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که خسته شدم.

## درس ۲۱:

چه کلماتی اهمّیت املائی دارند؟

- کلماتی اهمّیت و ارزش املائی دارند که در ساختمان آن‌ها واج‌های چند شکلی وجود داشته باشد؛ مانند: ذلیل، زیور، ظهر، ضمانت
- بیش‌تر کلماتی که اهمّیت املائی دارند، کلماتی هستند که اولاً عربی رایج در فارسی‌اند؛ ثانیاً یک یا چند حرف از حروف چند شکلی را با خود دارند. به بیان دیگر، کلمه‌ای اهمّیت املائی دارد که می‌تواند چند شکل مکتوب داشته باشد و باید شکل صحیح آن را هنگام نوشتن انتخاب کرد.
- بین «صدا» و «حرف» کلمات غیرعربی، غالباً تطابق یک‌به‌یک وجود دارد؛ بنابراین، در املائی آن‌ها مشکل چند شکل‌نویسی نخواهیم داشت.

## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

گروه‌هایی از حروف الفبا که صدای (واج) واحد اما شکل‌های متعدّد دارند به این شرح است:

- ۱) سلامت، صحّت، ثابت (حرف‌های س، ص، ث با صدای (واج) مشترک «س» /s/)
- ۲) مؤسّس، معلّم (حرف‌های ء، ع با صدای (واج) مشترک همزه / ؟ /)
- ۳) تالیا، طلبه (حرف‌های ت، ط با صدای (واج) مشترک ت /t/)
- ۴) حرام، همیشه (حرف‌های ح، ه با صدای (واج) مشترک ه /h/)
- ۵) ظالم، زلال، لذیذ، ضامن (حرف‌های ظ، ز، ذ، ض با صدای (واج) مشترک ز /z/)
- ۶) مغلظه، مقدّم (حرف‌های غ، ق با صدای (واج) مشترک ق /q/)

### بیاموزیم

کلمات در حالت کلی در مواقع موصوف یا مضاف بودن فقط نقش نمای اضافه (کسره‌ی اضافه) می‌گیرند؛ مانند:  
کتابِ زیبا - معلّمِ فهمیده - دامِ اعتیاد و ...

«نکته‌ی ۱» اگر کلمه‌ی مضاف یا موصوف، به مصوّت «آ» یا «او» ختم شود، باید حرف میانجی «ی» را نیز به آن افزود؛  
خدایِ بزرگ، عمویِ وحید و ...  
مانند: واج میانجی واج میانجی

«نکته‌ی ۲»: اگر کلمه‌ی مضاف یا موصوف، به مصوّت «ای» ختم شود، لازم نیست حرف میانجی «ی» آورده شود؛  
مانند: شادیِ مضاعف، بازیِ کودکانه و ...

بنابراین نمی‌نویسیم: شادیِ مضاعف، بازیِ کودکانه و ...  
در مثالهای نکته‌ی ۲، حرف «ی» هم به تنهایی نشان‌دهنده‌ی مصوّت «ای» و هم حرف (واج) میانجی «ی» است؛ پس  
می‌نویسیم: «قاضیِ معروف» و می‌خوانیم «قاضیِ معروف».

در املا‌ی کلماتی نظیر «بیابان»، «ریاست»، «سیاست» و ... نیز از این قاعده استفاده می‌شود؛ با این حال که این  
کلمات در آخر خود به «ای» ختم نمی‌شوند بلکه در میان این کلمات حرف «ای» وجود دارد. یعنی می‌نویسیم:  
«بیابان» و می‌خوانیم «بیابان» و ...

## درس ۲۲

### نامه نگاری

- نامه‌ها بر دو نوع‌اند: ۱- نامه‌های خصوصی و دوستانه، ۲- نامه‌های رسمی و اداری.

- نامه‌های رسمی و اداری از چند قسمت تشکیل می‌شود: ۱- سرآغاز ۲- تاریخ ۳- موضوع نامه  
(تقاضای مرخصی / تقاضای انتقال و ...)، ۴- عنوان ۵- کلمات احترام آمیز ۶- متن نامه ۷- امضا

## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

- هنگام نوشتن نامه‌ی اداری و رسمی، توجه به نکات زیر ضروری است:
- (الف) نامه کوتاه و صریح و بی‌ابهام باشد.
- (ب) در آغاز و پایان اصل احترام رعایت شود و در عین حال، از چاپلوسی پرهیز گردد.
- (پ) مسائل مطرح شده در نامه با اسناد و مدارک لازم همراه باشد.
- (ت) نوع کاغذ نامه مناسب و درخور مخاطب باشد.
- (ث) متن نامه پاک‌نویس گردد و نشانه‌های نگارشی در آن به‌درستی به‌کار گرفته شود.
- (ج) نام و نشانی و دیگر اطلاعات در نامه ذکر شود.
- (چ) از نامه‌ی ارسالی کپی تهیه شود.

#### بیاموزیم:

- توجه به کاربرد صحیح واژه‌های «له» و «علیه»: کلمه‌ی «علیه» عربی و به معنای: «برضد او، براو» است. ترکیب «برعلیه» درست نیست: چون اضافه شدن «بر» به «علیه» حشو به شمار می‌آید. کلمه‌ی «له» نیز بدون «بر» باید به‌کار رود.

## درس ۲۳:

#### گروه قیدی:

همانطور که می‌دانیم، جمله‌ها بر اساس نوع فعل دارای دو، سه یا چهار جزء (گروه) اصلی اند. علاوه بر اجزای اصلی، می‌توان گروه‌ها و عناصر دیگری را نیز در جمله به کار برد که حذف آن‌ها از جمله، به دستوری بودن آن آسیبی نمی‌رساند.

مثال: (الف) دیر صبح زود، باز، آن جا علی را دوان‌دوان دیدم.

در این جمله‌ی مستقل ساده، با توجه به فعل جمله «دیدم» اجزای اصلی جمله عبارتند از: نهاد (گروه اسمی) + مفعول (گروه اسمی) + فعل (گروه فعلی)؛ یعنی: (ب) من (محذوف) علی را دیدم.

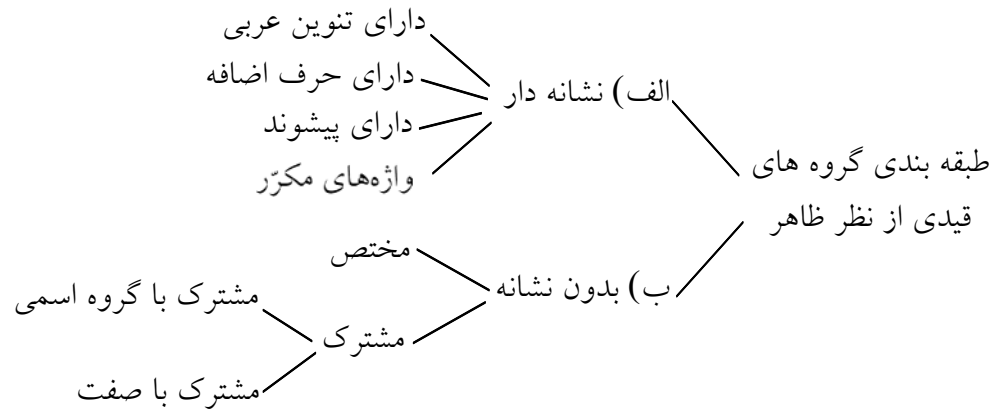
جمله‌ی «ب» با این حال که کوتاه‌تر و خلاصه‌تر شده است، باز هم دستوری است. در حالی که اگر هر کدام از سه جزء جمله‌ی «ب» بدون قرینه حذف شود، جمله غیردستوری می‌شود.

گروه‌هایی که در صورت حذف آن‌ها از جمله، جمله غیردستوری نشود - یعنی فعل به آن‌ها نیاز نداشته باشد - گروه‌های قیدی هستند. گروه‌های قیدی جمله‌ی «الف» به شرح زیر است: ۱ - دیروز صبح زود ۲ - باز ۳ - آن جا ۴ - دوان‌دوان.

«نکته» پس می‌توان گفت یکی از ساده‌ترین و اصلی‌ترین راه شناخت گروه قیدی - علاوه بر توجه به فعل جمله - امکان حذف آن از جمله است. (البته لازم به ذکر است که نقش‌های دیگری نیز امکان حذف از جمله دارند که با حذف آن‌ها به ساخت دستوری جمله آسیب وارد نشود: مانند: صفت بیانی، مضاف‌الیه و ...)

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱



#### گروه‌های قیدی نشانه‌دار:

این طبقه از گروه‌های قیدی علامت‌سوری دارند و به چهار شاخه تقسیم می‌شوند:

- ۱ - کلمات تنوین‌دار عربی: نسبتاً، لطفاً، اصلاً و ...
- ۲ - قیده‌های دارای حرف اضافه (متمم‌های قیدی)
- ۳ - قیده‌های پیشوندی: پیشوند + اسم؛ مانند: به‌سرعت، باشتاب، به‌تدریج، به‌کندی و ...
- ۴ - واژه‌های مکرر

#### ۲ - متمم‌های قیدی: حرف اضافه + اسم (گروه اسمی):

اگر متمم «حرف اضافه + اسم» قابل حذف از جمله باشد و فعل به آن نیاز نداشته باشد، متمم قیدی است. در متمم قیدی، حذف متمم موجب غیردستوری بودن جمله نمی‌شود اما اگر متمم (متمم فعلی) حذف شود، جمله غیردستوری می‌شود؛ مثلاً: او به مدرسه می‌رود ← او می‌رود (به مدرسه: متمم قیدی) او به ساختمان مدرسه می‌نگرد ← او می‌نگرد (به ساختمان مدرسه: متمم فعلی)

#### ۳ - قیده‌های پیشوندی: پیشوند + اسم؛ مانند: به‌سرعت، باشتاب، به‌چابکی و ...

تفاوت حرف اضافه با پیشوند (الف) «پیشوند + اسم» معادل با یک کلمه است. زیرا حوزه‌ی عمل پیشوند واژه است؛ مثال: به‌چابکی = چابک، به‌سرعت = سریع، به‌کندی = کند و ...

اما حوزه‌ی عمل حرف اضافه، جمله است یعنی در ساختن جمله شرکت می‌کند و متمم می‌سازد.

ب) پیشوند یک نشانه (تکواژ) وابسته (وند اشتقاقی) است که معمولاً مقوله‌ی کلمه را عوض می‌کند: به (پیشوند) + سرعت (اسم) ← به‌سرعت (قید)

در حالیکه حرف اضافه یک تکواژ آزاد دستوری است و مقوله‌ی اسم را تغییر نمی‌دهد: به (حرف اضافه) + مدرسه (اسم) ← به مدرسه

#### ۴ - واژه‌های مکرر:

در اثر تکرار یک صفت، اسم یا قید واژه‌ای به وجود می‌آید که معمولاً قید است؛ مانند:

تکرار صفت: کم‌کم، آهسته آهسته و ...

تکرار اسم: دانه‌دانه، گروه‌گروه، مشت‌مشت و ...

تکرار قید: پیرسان‌پیرسان، لنگان‌لنگان، دوان‌دوان و ...

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### گروه‌های قیدی بی‌نشانه:

این طبقه از گروه‌های قیدی نشانه و علامت ظاهری ندارند و به دو دسته‌ی زیر تقسیم می‌شوند:

۱ - قیده‌های مختص

۲ - الف) قیده‌های مشترک با گروه اسمی

ب) قیده‌های مشترک با صفت بیانی

۱ - قیده‌های مختص: واژه‌هایی که همواره در جملات کاربرد قیدی دارند؛ مانند: هرگز، فقط هیچ‌گاه، نیز، چرا، بلی، خیر، عن‌قریب، بالقوه، لاقلاً، همیشه و ...

#### قیده‌های مشترک با گروه اسمی:

ممکن است گاهی اوقات نقش قید بپذیرند. اسم‌هایی چون شب، روز، دیروز، فردا، نوروز و ... اگر قابل حذف از جمله باشند و به صورت اجزای اصلی جمله به کار نروند، نقش قیدی دارند.

نهاد: شب‌های روستا دیدنی است.

مفعول: شب را با تمام ستارگان دوست داریم.

مسند: این، شب بود که نقاب به چهره پوشانده بود.

مضاف‌الیه: زیبایی‌های شب وصف ناشدنی است.

منادا: ای شب، زشتی‌ها را بپوشان!

متمم: مسافران از شب می‌ترسیدند.

قید: خفاش‌ها شب از لانه‌ی خود بیرون می‌آمدند.

مثال: شب

#### قیده‌های مشترک با صفت بیانی:

صفت‌هایی چون «خوب، آهسته، بسیار، زیبا، دیوانه‌وار، مردانه، سنجیده، دلاورانه و ...» گاهی در جمله در جایگاه قید قرار می‌گیرند:

صفت: گل زیبایی را در باغچه کاشتم.

نهاد: (زیبا) یک صفت فاعلی است.

مضاف‌الیه: واژه‌ی (زیبا) را در جمله‌ای به کار ببرید.

قید: او کتاب را زیبا صحافی کرد.

زیبا

قیده‌ها را از جهت معنا و مفهوم نیز می‌توان به انواعی تقسیم کرد: قید مکان، قید زمان، قید کمیت، قید کیفیت، قید حالت و ...

هم‌چنین قیده‌ها از نظر چگونگی کاربرد در جمله به انواعی تقسیم می‌شوند: قید قید، قید صفت، قید مسند و ...

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

«هلن کلر» زن نابینا و کرو لال آمریکایی که با استعداد بی‌نظیر خود، دنیا را به تحسین و اعجاب وا داشت. وی که تمام مراحل تحصیلی را با رنج وصف ناشدنی پیمود، چندین کتاب نوشت که یکی از آن‌ها درباره‌ی زندگی خود اوست و در آن نشان می‌دهد که نقص جسمی به هیچ‌وجه مانع پرورش قوای روحی و فکری نیست.

#### آرایه‌ی ادبی:

- ۱ - «هلن کلر» با استعداد خود دنیا را به تحسین و اعجاب واداشت: دنیا مجاز از مردم دنیا (مجاز کل از جزء)
- ۲ - به این ترتیب کلید زبان را در دست گرفتم: کلید زبان: اضافه‌ی تشبیهی (تشبیه): زبان: مشبّه / کلید: مشبّه‌به
- ۳ - بدین ترتیب در زندانی خاموشی من شکسته شد: اضافه‌ی تشبیهی (تشبیه): خاموشی: مشبّه / زندان: مشبّه‌به

#### دستور:

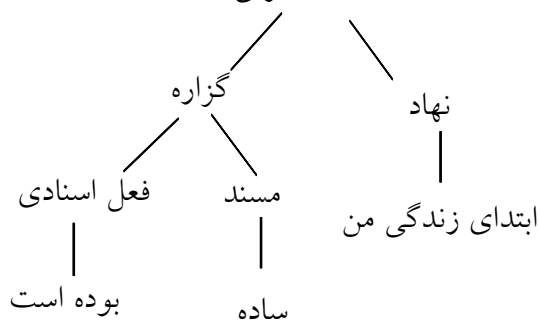
«ابتدای زندگی من مانند دیگران بسیار ساده بوده است.»

با توجه به فعل، این جمله سه جزئی گذرا به مسند است: نهاد (مسندآلیه) + مسند + فعل اسنادی (ربطی) بوده است

«نکته‌ی ۱»: فعل این جمله از مصدر «بودن» است و فعل «است» در این جا فعل کمکی (معین) برای ساخت ماضی نقلی است.

«نکته‌ی ۲» مانند دیگران: متمم قیدی و «بسیار» هر دو نقش قیدی دارند و جزء ارکان اصلی جمله محسوب نمی‌گردند.

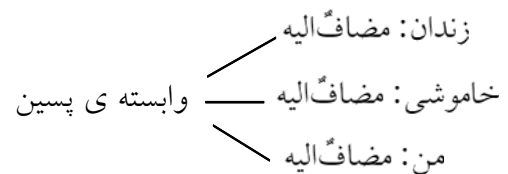
جمله‌ی سه جزئی گذرا به مسند



#### دستور

«بدین ترتیب، در زندان خاموشی من شکسته شد»:

در این جمله، هسته‌ی گروه اسمی نهاد به قرار زیر است ⇐ گروه اسمی نهاد: در زندان خاموشی من ⇐ هسته: در



«نکته»: اسمی که بعد از نقش نمای اضافه (کسره) می‌آید، یا صفت است یا مضاف‌الیه؛ که راه تشخیص این دو، پیش‌تر ذکر شده است.

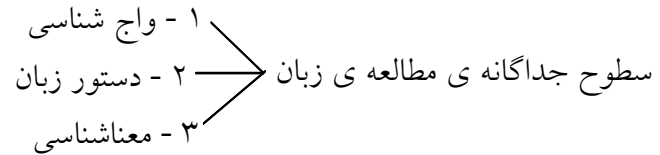
## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### درس ۲۴:

زبان‌شناسی چیست؟ (۲)

یکی از مشکلات مطالعه‌ی زبان، گستردگی بیش از حد آن است. زبان‌شناسان برای حلّ این مشکل، زبان را در سطوح جداگانه مورد مطالعه قرار می‌دهند.



واج‌شناسی:

زبان‌شناسان در یک سطح، فقط به مطالعه‌ی صداهای زبان و قواعد ترکیب آن‌ها به منظور ایجاد ساخت‌هایی آوایی می‌پردازند که به آن «واج‌شناسی» می‌گویند.

**نکته:** واج‌شناسی به بررسی نظام واجی می‌پردازد که عبارتست از: ۱ - فهرست واج‌ها ۲ - الگوهای آرایش واج‌ها ۳ - قواعد یا فرآیندهای واجی (ابدال، ادغام، کاهش، افزایش و ...)

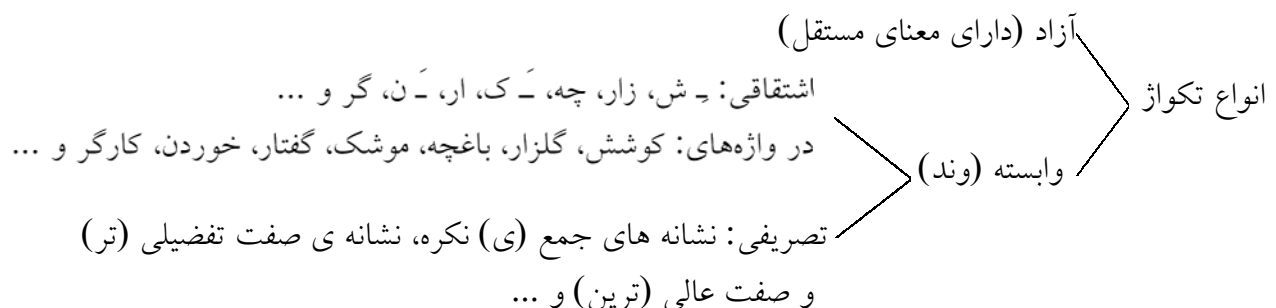
واج: کوچکترین واحد صوتی زبان است که خود معنایی ندارد اما می‌تواند تمایز و تفاوت معنایی ایجاد کند.

دستور زبان:

زبان‌شناسان بررسی نشانه‌ها (تکواژها) ی زبان و قواعد ترکیب آن‌ها به منظور ساختن کلمات و عبارات و جمله‌های زبان را دستور زبان می‌نامند که به دو بخش صرف (نوع) و نحو (نقش) تقسیم می‌شود.

صرف: شناخت تکواژها و راه‌های ترکیب و تلفیق آن‌ها با یکدیگر برای ساختن واژه‌ها مبحث «واژه‌شناسی» یا «صرف» است.

**نکته:** زمانی که تکواژها را به آزاد و وابسته و هر کدام را به قاموسی و دستوری و ... تقسیم می‌کنیم و از انواع تکواژهای وابسته با نام تصریفی و اشتقاقی سخن به میان می‌آوریم، در حوزه‌ی «صرف» عمل می‌کنیم. همچنین است تجزیه‌ی واژه‌های مشتق، مرکب و ... به نشانه‌ها (تکواژها) ی تشکیل دهنده.





## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### نحو (syntax):

از واژه‌ی یونانی به معنای «نظم و ترتیب» گرفته شده است. نحو هر زبان به طور کلی شامل شیوه‌ها و اسلوب‌هایی است که با استفاده از آن‌ها می‌توان واژه‌ها را به گونه‌ای ترکیب کرد که بتوانند واحدهای بزرگ‌تری را بسازند؛ یعنی شیوه‌ی ترکیب انواع کلمات تا سطح گروه و جمله. مثال: به سه جمله‌ی زیر توجه کنید:

(الف) پلیس جلوی اتوبوس را گرفت و راه‌بندان شد.

(ب) شد اتوبوس و پلیس را جلوی گرفت راه‌بندان.

(ج) شد راه‌بندان و جلوی را پلیس گرفت اتوبوس: با این که واژه‌های هر سه صورت یکسان است ولی اهل زبان جمله‌ی اوّل را با معنی به‌شمار می‌آورند و صورت‌های دوّم و سوّم را بی‌معنا می‌دانند؛ چون بر مبنای قواعد ترکیب زبان فارسی نیستند. توصیف این توانایی اهل زبان، به عهده‌ی دانش «نحو» است.

#### معناشناسی:

در این قسمت زبان‌شناسان به بررسی معنای واژه‌ها، گروه‌ها و جمله‌ها که نشانه‌هایی آوایی و قراردادی هستند، می‌پردازند که به آن «معناشناسی» می‌گویند.

#### روابط واژگانی:

یکی دیگر از راه‌های بررسی معنایی واژه‌ها، تعیین روابط واژگانی و حوزه‌ی معنایی آن‌هاست. انواع روابط واژگانی عبارتند از:

۱ - هم‌معنایی (ترادف synonymy)

۲ - تضادّ معنایی (Antonymy)

۳ - مشمول معنایی (تضمّن Hyponymy)

۴ - هم‌آوایی (Homophony)

۵ - هم‌نامی (Homonymy)

۶ - چندمعنایی (Polysemy)

«نکته»: موارد ۴، ۵ و ۶ فقط برای مطالعه‌ی آزاد است.

#### هم‌معنایی (ترادف synonymy):

دو یا چند رابطه‌ی معنایی که اغلب (و نه همیشه) در جمله‌ها قابل جانشینی با یک‌دیگرند: عصر و زمانه، زیان و ضرر، پدر و بابا.

**تضادّ معنایی (Antonymy):** دو صورت با معناهای مخالف: پیر و جوان، مرده و زنده.

**هم‌آوایی (Homophony):** وقتی دو یا چند صورت نوشتاری دارای تلفّظ مشابه باشند: خوار و خار، صغیر و سفیر.

**هم‌نامی (Homonymy):** وقتی یک صورت (نوشتاری و گفتاری) دارای دو یا چند معنای نامرتبب باشند (همان جناس در آرایه‌های ادبی): شیر (حیوان)، شیر (آب)، شیر (نوشیدنی).

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

**چند معنایی (Polysemy):** وقتی یک صورت (نوشتاری یا گفتاری) چند معنا دارد و همه‌ی آن‌ها به طور گسترده با یکدیگر مرتبط اند: تیز

برنده (چاقوی تیز) / زرنگ و چابک (بچه‌ی تیزی است).

#### بیاموزیم:

نشانه‌ی مفعولی «را» باید بلافاصله پس از گروه اسمی مفعولی بیاید، نه با فاصله با آن.

مثال: (جملات گروه «الف» نادرست و گروه «ب» درست است):

الف) هنگام غروب نیز انعکاس سرخی شفق بر سطح دریا را می‌توان دید.

من مسابقه‌ای که دیروز برگزار شد را دیدم.

ب) هنگام غروب نیز انعکاس سرخی شفق را بر سطح دریا می‌توان دید.

من مسابقه‌ای را که دیروز برگزار شد دیدم.

## درس ۲۵:

### نامه‌نگاری (۲) نامه نوشتن به دوستان و نزدیکان

- نامه‌های دوستانه در مقایسه با نامه‌های اداری از الگوی خاصی پیروی نمی‌کنند و بیشتر ابتکاری و موافق با ذوق و طبع نویسنده و نوع مناسبات او با مخاطب هستند.
- نامه‌های خصوصی عاطفی‌تر، صمیمی‌تر و بی‌تکلف‌ترند و در آن‌ها حرف‌های خصوصی مطرح می‌شوند.
- اساسی‌ترین ویژگی نامه‌های دوستانه این است که تقلیدی نیستند، لحن کلام در آن‌ها صمیمی و خودمانی است و از هر گونه تکلف به دورند. ویژگی دیگر این نامه‌ها قالبی نبودن آن‌هاست.
- حُسن نامه‌ی خصوصی در این است که همه‌ی عناصر آن از تصنع خالی باشند.
- نکاتی که در نوشتن نامه باید به بدان‌ها توجه کرد، عبارتند از:
  - ۱- رعایت کوتاهی و بلندی متن نامه که نه سبب ابهام و نه باعث خستگی گردد.
  - ۲- انتخاب کاغذ نامه‌ی مناسب و رعایت مسائل نگارشی و پاکیزه‌نویسی، نشانه‌ی حرمت‌گذاری به گیرنده‌ی نامه است.
  - ۳- در نامه‌ی خصوصی، رعایت اعتدال و انتخاب لحن مناسب و پرهیز از شتاب‌زدگی شرط است.
  - ۴- رعایت دقت و سنجیده‌نویسی؛ زیرا نوشته در دست مخاطب، «سند اخلاقی» به شمار می‌آید.
  - ۵- شأن نامه این است که در عین سادگی «به زبان معیار» نزدیک باشد.
  - ۶- تهیته و حفظ پیش‌نویس با نسخه‌ای از نامه، ضروری است.

#### بیاموزیم

تفاوت همزه و حرف «ی میانجی»: همزه «ء» یکی از سی و سه حرف الفبای فارسی است و هر چند به «ی» میانجی کوچک (ء) شباهت دارد اما مستقل از آن است. بهتر است در نوشتار به جای ی میانجی کوچک «ء»، شکل بزرگ آن را به کار بریم؛ زیرا «ی میانجی کوچک» به حرف همزه شباهت دارد و این امر مانع آموزش صحیح می‌شود.

جملات ردیف «ب» بهتر و صحیح‌تر از جملات «الف» است:

الف) مأذنه مسجد، اسائه ادب، ارائه گزارش و ...

ب) مأذنه‌ی مسجد، اسائه‌ی ادب، ارائه‌ی گزارش و ...

## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### درس ۲۶:

##### گروه کلمه چیست؟

- ترکیب‌هایی که نه کلمه‌اند نه جمله، «گروه کلمه» نامیده می‌شوند.

- گروه کلمه یا گروه واژه معمولاً یا «مضاف و مضاف‌الیه» «موصوف و صفت» «متضاد»  
یا «مترادف»  
یا «آمیخته و عجین»  
یا «صحت و سقم»  
یا «کیف معلم»  
یا «کیف چرمی»  
یا «صحت و سقم»

یا ... هستند.

- گروه کلمه‌ها برای املائی تقریری جنبه‌ی تکمیلی و ترمیمی دارند.

- به کمک گروه کلمه، متن‌های ساده‌ی املا برای ارزش‌یابی، تعدیل و متناسب می‌گردند.

- شاخصه‌ی «گروه کلمه»‌های املا این است که گویا و واضح باشند و به پرسش‌های مقدر ما پاسخ دهند.

#### درس ۲۷:

##### نقش نما

الف) مردی پلنگی دید. ب) پلنگی مردی دید.

فاعل مفعول      فاعل مفعول

در جملات بالا، نقش فاعل و مفعول با توجه به ترتیب و جایگاه آنها در جمله معلوم می‌شود. در جمله‌ی «الف» «مردی» فاعل است؛ چون مقدم است. در جمله‌ی «ب» نیز «پلنگی» فاعل است؛ چون مقدم بر «مردی» آمده است. اکنون به دو جمله‌ی زیر توجه کنید:

ج) رستم سهراب را کشت. د) سهراب را رستم کشت.

فاعل مفعول      فاعل مفعول

در دو جمله‌ی «ج» و «د» با توجه به این‌که ترتیب عناصر جمله متفاوت است، فاعل و مفعول تغییر نکرده‌اند. چرا؟ «را» عنصری است که نقش مفعولی را مشخص می‌کند و به مفعول امکان می‌دهد که در جاهای مختلف جمله قرار گیرد.

عناصری چون نشانه‌ی مفعول، حروف اضافه، حروف ربط کسره‌ی (نقش نمای) اضافه و نشانه‌ی ندا را «نقش‌نما» می‌نامند؛ زیرا هر کدام نشان‌دهنده‌ی یک نقش دستوری در جمله‌اند:

۱ - نقش نمای مفعولی

۲ - نقش نمای اضافه

۳ - حروف اضافه

۴ - حروف ربط (پیوند)

۵ - نشانه‌های ندا

## دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

#### نقش نمای مفعولی:

یکی از وظایف «را» در جمله، مشخص کردن نقش مفعولی است. وجود این عنصر در برخی جاها الزامی و در برخی جاهای دیگر اختیاری است.

الف) فاطمه غذا را خورد. ← فاطمه غذا خورد.

ب) علی آن کتاب را خواند. ← علی آن کتاب را خواند.

**نکته:** اگر گروه اسمی مفعول اسم جنس یا اسم نکره باشد، وجود «را» الزامی نیست ولی اگر گروه اسمی مفعول اسم خاص، اسم معرفه یا ضمیر باشد، وجود «را» الزامی است.

#### نقش نمای اضافه:

نشانه (تکواژ = e) هر گاه پس از اسم بیاید، کلمه‌ی پس از آن یکی از دو نقش صفت یا مضاف‌الیه را دارد: به گل زیبای باغچه نگریستم.

صفت مضاف‌الیه

**نکته:** برخی از حروف اضافه با کسره به کار می‌روند. مانند: برای، بهر، همراه.

#### حروف اضافه:

نشانه (تکواژ) هایی چون: به، از، با، در، برای، تا، چون (مثل و مانند) و ... پیش‌واژه‌ی متمم‌ساز هستند و به گروه اسمی پس از خود نقش متمم (فعلی) / متمم قیدی (قید) / متمم اسمی می‌دهند. پس آن‌ها را «نقش نمای متمم» می‌نامند.

#### حروف ربط (پیوند):

این حروف به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) حروفی که پیش از جمله‌های وابسته قرار می‌گیرند و در اصطلاح «پیوندهای وابسته‌ساز» هستند؛ مانند: که، تا، اگرچه، اگر، برای این‌که، تا این‌که، همین‌که، چون (هنگامی که) و ...:

پیوند وابسته ساز  
↑

اگر بیشتر درس بخوانی، موفق می‌شوی. / تلاش کنی تا موفق شوی.

↓ جمله‌ی پیرو (وابسته) جمله‌ی پایه (هسته)      ↓ جمله‌ی پیرو (وابسته)  
پیوند وابسته ساز      جمله‌ی پایه (هسته)

ب) پیوندهای هم‌پایه ساز: حروفی هستند که جمله‌های هم‌پایه را با هم ارتباط می‌دهند؛ مانند: و، یا، اما، لیکن، پس. دو حرف «و» و «یا» برای ارتباط دادن واژه‌ها و گروه‌ها به یک‌دیگر نیز به کار می‌روند.

مثال: کتاب و دفتر خود را بر می‌دارم و با اتوبوس یا پای پیاده به سوی مدرسه

حرف ربط هم‌پایه ساز

حرکت می‌کنم اما هیچ وقت دیر به مدرسه نمی‌رسم.

حرف ربط هم‌پایه ساز

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

**نکته:** بعضی از حروف ربط به صورت تکراری در ابتدای جمله‌های هم‌پایه می‌آیند و آن‌ها را به هم ارتباط می‌دهند:  
چه..... چه ..... / نه ..... نه ..... / یا ..... یا ..... یا ..... .

مثال: نه درس می‌خواند نه کار می‌کند نه ورزش.

حرف ربط هم پایه ساز

نشانه‌های ندا: نشانه‌ی (تکواژ) های «ای»، «یا» و «ا» در زبان فارسی مشخص‌کننده‌ی نقش منادایی هستند. این تکواژها را «نشانه‌های ندا» می‌نامند. «ای» و «یا» پیش از اسم می‌آیند: ای خدای بزرگ، یا حسین شهید/ «ا»: پس از اسم می‌آید: سعدیا، پروردگارا

در زبان فارسی معاصر از نشانه‌های ندا کم‌تر استفاده می‌شود و در عوض، با جابه‌جا کردن تکیه‌ی اسم، آن را منادا می‌کنند. در زبان فارسی معمولاً تکیه‌ی اسم بر هجای آخر است و اگر تکیه را به هجای اول منتقل کنیم، منادا می‌شود:

بهر'وز آمد./ 'بهر'وز بیا!  
منادا

## درس ۲۸:

### خلاصه‌نویسی

خلاصه‌نویسی یکی از راه‌های تمرین نگارش است.

برای تهیه‌ی خلاصه‌ی یک اثر، می‌توان قسمت‌های مهم یک مقاله، بندهایی از یک نوشته یا کتاب و هر چیز دیگر را به میزان دلخواه خلاصه کرد.

برای کوتاه کردن یک اثر داستانی، هم‌چنین می‌توان پس از خواندن هر بخش از داستان یا کل آن، خلاصه و حاصل داستان را به قلم خود بازنویسی کرد.

فایده‌های خلاصه‌نویسی عبارتند از:

- الف) به ما کمک می‌کند که نتیجه‌ی تمامی مطالعات خود را در حجمی اندک حفظ کنیم.
- ب) میزان دقت و تمرکز ما را برای درک و دریافت مفاهیم متن افزایش می‌دهد.
- ج) دست ما را برای نگارش، باز و توانا می‌سازد.

پیشنهادهایی برای خلاصه‌نویسی:

- ۱ - متن مورد نظر را به دقت بخوانید تا از موضوع، اهداف و خطوط اصلی آن کاملاً آگاه شوید.
- ۲ - روش و میزان خلاصه‌نویسی را معین کنید.
- ۳ - مفاهیم و نکات مهم نوشته را مشخص نمایید.
- ۴ - از کم و زیاد کردن مفاهیم کلیدی متن بپرهیزید.
- ۵ - موارد غیرضروری را حذف کنید.
- ۶ - متن اصلی را با خلاصه‌ی آن مطابقت دهید و نکات نگارشی را در آن رعایت کنید.
- ۷ - مشخصات متن اصلی را بنویسید و ارزش اثر را نیز یادآوری کنید.

## دیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد امام خمینی (ره) - اراک

### خلاصه‌ی دروس زبان فارسی ۱

- در خلاصه نویسی باید به موارد زیر توجه داشته باشیم:
- الف) اگر خلاصه‌نویسی مربوط به یک داستان است، توجه به ویژگی شخصیت‌های اصلی و حوادث کلی آن ضروری است.
- ب) در خلاصه کردن نوشته‌ی علمی، باید مفاهیم علمی را به طور دقیق بیان کنیم.
- ج) هر مطلب یا موضوعی قابلیت خلاصه شدن را ندارد.
- د) هر گاه غرض از خلاصه نویسی، ساده کردن نوشته باشد، باید از آوردن برخی نکته‌های اصلی صرف‌نظر کنیم.
- ه) در خلاصه‌نویسی، عبارات غیرضروری (آرایه‌ها، مترادف‌ها و ...) را می‌توانیم حذف کنیم.
- و) برای کوتاهی جملات بهتر است از فعل ساده و کلمات رسا استفاده کنیم.

#### بیاموزیم

- در خط فارسی، علاوه بر سی و سه حرف الفبا، از این نُه نشانه‌ی خطی نیز استفاده می‌شود: َ ِ ِ ِ ِ ِ ِ ِ ِ ِ
- از نشانه‌های خطی بیشتر در مواردی استفاده می‌کنیم که رعایت نکردن آن‌ها موجب ابهام و بدفهمی می‌شود.
- مثال: بِنَا - بِنَا